

همکاری های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریسم

احمد کاظمی*

دکترای حقوق بین الملل دانشگاه تهران، تهران، ایران

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۱/۲۴ تاریخ پذیرش ۱۳۹۸/۰۵/۲۲)

چکیده

عربستان سعودی به دلیل سرخوردگی از شکست های منطقه ای، رویکرد خصمانه علیه ایران اتخاذ کرده است. ریاض به موازات ابزارهای متعدد، به دنبال تفرقه ی قومی از جمله در مناطق آذری نشین است. اصرار بر ایجاد هویت مغایر با واقعیات تاریخی و تعریف رویکردها بر اساس آن، وجه مشترک میان باکو و ریاض در قبال ایران است. آل سعود که سابقه ی بیش از دو دهه همکاری امنیتی با آذربایجان برای توسعه ی وهابیت در این کشور را دارد، با آگاهی از اقدامات مشترک باکو، تل آویو و واشنگتن در ترویج پان آدریسم، تلاش دارد فعالیت های قومی ضد ایرانی را تقویت کند. ابعاد همکاری باکو و ریاض از جمله تأمین مالی گروه های قوم گرا، ایجاد کانال های قوم گرا در فضای مجازی، جذب فعالان تجزیه طلبی، القای رسانه ای وجود مسأله ی قومی در ایران، تبدیل نمادهای ورزشی به سمبول های واگرایی قومی را شامل می شوند. در سفرهای الهام علی اف به عربستان در سال های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶ش، ریاض که تجربه ی طولانی در تسلیح گروه های تجزیه طلب و تروریستی دارد، بر تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله ی قومیت گرایی تأکید کرده است. دیدار صالح ایلدیریم رییس گروه گائپ با ملک سلمان مؤید این ادعاست. این مقاله با بهره گیری از نظریه ی سازه نگارانه ی الکساندر ونت که هویت دولت ها را تعیین کننده ی سیاست خارجی آنها می داند، تأکید می کند که ریاض هزینه ی سیاست های غلط خود را با شکست های متعدد داده و این روند ادامه دارد و مشارکت جمهوری آذربایجان در این روند می تواند تبعات منفی بر یکپارچگی این کشور کنیرالمه بگذارد.

کلید واژه ها: جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی، پان آدریسم، ایران، تفرقه ی قومی

مقدمه

ریشه‌های پان‌ترکیسم به اندیشه‌های سه تئورسین یهودی در دوره‌ی امپراتوری عثمانی^۱ و ریشه‌های پان‌آدریسم به سال ۱۹۱۸ زمانی که نام آذربایجان ایران بر اراضی شمال ارس که تا آن دوره آران نامیده می‌شد، بر می‌گردد. در ۲۷ مه ۱۹۱۸م هنگامی که در مناطق شمالی رود ارس تشکیلاتی موسوم به جمهوری آذربایجان اعلان موجودیت کرد، این سرقت عنوان، نگرانی‌هایی را در میان ایرانیان موجب شد. به طوری که شیخ محمد خیابانی و همراهانش در تبریز در اقدامی اعتراضی تصمیم گرفتند که نام ایالت آذربایجان را به «آزادیستان» تغییر دهند (کاظمی، ۱۳۸۵: ۳۳).

پیشبرد پان‌ترکیسم و به تبع آن پان‌آدریسم یکی از ابزارهایی است که دشمنان ایران به ویژه طی یک قرن اخیر از آن علیه ایران استفاده کرده‌اند. تلاش دشمنان برای ایجاد تفرقه‌ی قومی بعد از انقلاب اسلامی و با فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۱ شکل جدیدی یافت. مشخصه‌ی مهم پان‌ترکیسم، تصور سرزمینی فراتر از ترکیه برای ترکان و تلاش برای ایجاد سرزمینی واحد برای آنان در جهان است. نسخه‌ی ایرانی پان‌ترکیسم را می‌توان پان‌آدریسم نامید. پان‌آدریسم در ایران در ۲۱ آذر ۱۳۲۴ش نمود اصلی یافت و آن زمانی بود که سید جعفر جواد زاده مشهور به پیشه‌وری با یاری فرقه‌ی دموکرات در تبریز و در چارچوب اهداف شوروی در ایران در جنگ جهانی دوم اعلام استقلال کرد و خط راه آهن تهران به اروپا را از میانه بست و دستور داد کتب درسی به زبان ترکی نوشته و تدریس شود. این غائله یک سال بعد با جنبش مردم تبریز پایان یافت.

این در شرایطی است که اساساً ناسیونالیسم در میان آذریها، ناسیونالیسم ایرانی و ترکیبی از فرهنگ ایرانی و اسلامی بوده و هست، اما واقعیتی که نمی‌توان آن را انکار کرد، این است که پان‌آدریسم پس از فروپاشی شوروی و تشکیل جمهوری آذربایجان و با مداخلات مثلث ترکیه، رژیم صهیونیستی و آمریکا مورد توجه قرار گرفته است و اکنون عربستان سعودی نیز به آن اضافه شده است. در جمهوری آذربایجان سیاست‌های شوونیستی قومی را محدود به دوران

۱. این سه تئورسین یهودی عبارتند از: آرتور لملی دیوید، دیوید لئون کوهن، آرمینوس وامبری

حکومت یکساله ی ابوالفضل ایلچی بیگ (۱۹۹۳) می کنند، این در شرایطی است که پیش تر حیدرعلی اف در ۱۶ دسامبر ۱۹۹۰ و زمانی که رئیس مجلس عالی نخبوان بود برای تحریف خیزش ایران گرایانه مردم جمهوری آذربایجان، ۳۱ دسامبر را روز همبستگی آذریهای جهان نامگذاری کرد. حال آن که مردم آذربایجان در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۹ با عبور از ارس و با شعارهای الله اکبر خواهان الحاق به مام میهن (ایران) شده بود (کاظمی، ۱۳۸۵: ۱۸۴).

واقعیت این است که حرکت خزنده ی پان آدریسم در جمهوری آذربایجان در دوران علی اف ها (حیدر علی اف ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳ و الهام علی ف از ۲۰۰۳ تاکنون) نه تنها کاهش نیافته، بلکه در سطوح دولتی و درچارچوب نهادهایی چون کمیته ی دولتی امور آذربایجانیان مقیم خارج که بعدها به دیاسپورای آذری تغییر نام داد، پیگیری می شود. برگزاری اولین کنگره ی آذربایجانیان جهان در تاریخ ۲۱ نوامبر سال ۲۰۰۱، تأسیس کمیته ی امور آذربایجانیان مقیم خارج در جولای سال ۲۰۰۲، تأسیس ده ها حزب شوونیستی و قوم گرا در جمهوری آذربایجان، اتخاذ رویکرد قومی علیه ایران در کتب درسی و آموزشی جمهوری آذربایجان، تحریف تاریخ و ... همگی نشان دهنده ی پایه گذاری رویکرد اعمالی باکو علیه ایران بر اساس سیاست پان آدریسم می باشد. همین موضوع باعث شده است که بر حسب تحولات منطقه ای و جهانی، کشورهای مخالف یا متخاصم با ایران تلاش کنند با تشکیل ائتلاف های پنهان یا آشکار با جمهوری آذربایجان از این پتانسیل نیز علیه ایران اسلامی استفاده کنند.

عربستان سعودی به علت شکست های پی در پی در برابر محور مقاومت در منطقه ی غرب آسیا بویژه در سوریه و یمن، یکی از بازیگرانی است که تمایل شدیدی برای ایجاد بحران قومی در ایران دارد. باکو از سال ۲۰۰۲ در قالب کمیته ی دولتی امور آذربایجانیان مقیم خارج در پوشش رسیدگی به وضعیت اتباع جمهوری آذربایجان که در کشورهای دیگر ساکن هستند، اهداف وسیعی با محوریت شبکه سازی و ایجاد لابی های آذری دنبال می کند. ساختار این کمیته که در سال ۲۰۰۸ به کمیته ی دولتی امور دیاسپورا تغییر نام داد، بر اساس تجارب لابی های صهیونیستی و با هدف استفاده از پتانسیل های آذری های جهان در جهت منافع باکو - تل آویو برای ایجاد تحریکات قومی در میان آذری های ایران طراحی شده است. این کمیته

با بودجه‌ی هنگفتی برنامه‌های متعددی را به ویژه به بهانه‌ی مناسبت‌های مجعول نظیر ۳۱ دسامبر، روز همبستگی آذربایجان جهان، به اجرا در می‌آورد. از جمله اهداف فعالیت این کمیته برقراری ارتباط با تشکل‌های آذری در کشورهای دیگر، ایجاد لابی آذربایجان جهان، شکل دادن ایدئولوژی واحد به اجماع‌های آذربایجانیان جهان و کمک به انتخاب آذربایجان مقیم خارج به نمایندگی پارلمان‌ها می‌باشد.

ابعاد همکاری‌های باکو با عربستان سعودی به ویژه از سال ۲۰۱۵ نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان با پیوند دادن دیاسپوراها‌ی آذری به عربستان سعودی، برخلاف سیاست‌های اعلامی خود مبنی بر حسن همجواری، در راستای پیشبرد طرح‌های ضد ایرانی عربستان سعودی اقدام کرده است. نمونه‌ی آن دیدار صالح ایلدیریم، رییس «حزب استقلال آذربایجان جنوبی»^۱، با ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی، در سال ۱۳۹۵ ش بود. جمهوری آذربایجان یکی از مراکز فعالیت و محل برگزاری کنفرانس‌های مطبوعاتی صالح ایلدیریم است. حساسیت این موضوع از آن جهت است که پیش‌تر نیز برخی از مطبوعات باکو ابعادی از نقش جمهوری آذربایجان در مرتبط کردن سازمان‌های امنیتی رژیم صهیونیستی با عناصر جدایی طلب آذری منتشر کرده‌اند. چنانچه روزنامه‌ی «ینی مساوات»، چاپ باکو، در زمستان ۲۰۱۷ با انتشار گزارشی از فعالیت‌های موساد و آمان (اطلاعات ارتش اسرائیل) با همکاری کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری باکو در این زمینه پرده برداشت و نوشت در طرّاحی اغتشاشات سال ۲۰۰۶ (سال ۱۳۸۵ ش) در مناطق آذری نشین ایران، به دلیل درج یک کاریکاتور توهین آمیز در یکی از روزنامه‌ها، اوری لوبرانی، عضو قدیمی سازمان مخفی «هاگانا» که در دوره‌ی سفارتش در ایران تا سال ۱۹۷۸، به زبان‌های فارسی و ترکی مسلط شد، نقش داشته است. به نوشته‌ی مساوات، اوری لوبرانی در نتیجه‌ی موفقیت آمیز بودن این عملیات، با کمک کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا با فعالان قوم‌گرا تماس گرفته بود (کاظمی، بهار ۹۶، ۱۳).

۱. عنوان مجعول «آذربایجان جنوبی» نام جعلی رایج شده در جمهوری آذربایجان برای معرفی مناطق آذری نشین ایران می‌باشد.

سوال اصلی مقاله‌ی حاضر این است که در روند رو به رشد مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، پیشبرد تز پان آدریسم چه جایگاهی دارد؟ ابعاد و اهداف همکاری باکو و ریاض در این زمینه و علل آن چیست؟ رویکرد عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان درباره‌ی ایران را در قالب چه نظریه‌ای می‌توان تبیین کرد؟ این مقاله با بهره‌گیری از نظریه‌ی سازه‌انگاره‌ی الکساندر ونت که هویت دولت‌ها را تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی آن‌ها می‌داند، با تأکید بر اشتراک نظر باکو و ریاض در هویت‌سازی جعلی، به بررسی توسعه‌ی مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، علل تمایل عربستان سعودی به تقویت پان آدریسم، سابقه‌ی همکاری‌های امنیتی باکو و ریاض از ترویج وهابیت تا قوم‌گرایی، ابعاد همکاری‌های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریسم و رویکرد ریاض برای تسلیح جدایی‌طلبان قومی می‌پردازد.

چارچوب نظری

نظریه‌ی سازه‌انگاری با ردّ برداشت‌های خردگرایانه‌ی نو واقع‌گرایی، بر نقش هویت در ساخت منافع، کنش‌ها و تکوین متقابل کارگزار-ساختار و اهمیت ساختارهای هنجاری و مادی تأکید می‌کند (Price, Richard and Christian Reus-Smith. 1998,256). الکساندر ونت- مؤلف کتاب «نظریه‌ی اجتماعی سیاست بین‌الملل»- معتقد است: هویت دولت‌ها تعیین‌کننده‌ی سیاست خارجی آن‌ها است. به اعتقاد وی، هرکدام از دولت‌ها در نظام بین‌الملل به مانند افراد در جامعه‌ی داخلی، نوعی هویت دارند که به رفتار آن‌ها در نظام بین‌الملل شکل می‌دهد و پیش‌بینی رفتار آن‌ها را امکان‌پذیر می‌کند. این هویت که در طول تاریخ و در تعامل با دیگر هویت‌ها شکل گرفته، عاملی مؤثر در تصمیم‌گیری‌های سیاست خارجی است. از دیدگاه الکساندر ونت، هویت، خصوصیتی است که دولت‌ها به عنوان کنشگران نیت‌مند دارند و موجب تمایلات انگیزشی و رفتاری آن‌ها است (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۶). هویت، پدیده‌ای است که در رابطه‌ی خود- دیگری شکل گرفته و قوام پیدا می‌کند و پدیده‌ای از قبل داده شده و مسلّم پنداشته شده نیست، بلکه در فرآیند تعامل ایجاد شده و بر منافع و ترجیحات افراد و

دولت‌ها تأثیر می‌گذارد (مشیرزاده، ۱۳۸۴: ۳۴۹). هویت‌ها به این اشاره دارند که کنشگران کیستند یا چیستند؟ اما منافع به آن چه کنشگران می‌خواهند، اشاره دارد. منافع، مستلزم وجود هویت است؛ آن‌ها انگیزه‌هایی را نشان می‌دهند که به تبیین رفتار کمک می‌کند. زیرا یک کنشگر تا وقتی نداند کیست، نمی‌داند چه می‌خواهد» (ونت، ۱۳۸۴: ۳۲۷ - ۳۲۶). به عنوان مثال، عربستان سعودی بر اساس هویتی که بر مبنای وهابیت تکفیری تعریف کرده است، منافع خود را در مقابله با اسلام شیعی، ایران هراسی، تضعیف محور مقاومت و همسویی با قدرتهای غربی می‌بیند. به اعتقاد شیرین هانتر، اسلام وهابی که از همان ابتدا به عنوان زیربنای عقیدتی و اساس مشروعیت حکومت جدید به خدمت گرفته می‌شد، از طرف ابن سعود صرفاً ابزاری برای پیشبرد هدف‌ها و جاه‌طلبی‌های خاندان سعود و توسعه‌گرایی بود» (هانتر، ۱۳۸۰، ۲۵۱). جمهوری آذربایجان نیز علیرغم اشتراکات گسترده ی دینی، فرهنگی، تاریخی و نژادی با ایران، هویت خود را بر مبنای قومی، تحریف تاریخ و در انکار اشتراکات با ایران و همگرایی با محور عبری - سعودی تعریف کرده است. جمهوری آذربایجان تقویت تشیع در این کشور را تهدیدی علیه خود می‌داند و این رویکرد، مبنای رفتارهای واگرایانه ی باکو در قبال تهران محسوب می‌شود.

نگاهی به مناسبات باکو و عربستان سعودی

مناسبات عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان را از سال ۱۹۹۱ تاکنون به سه دوره می‌توان تقسیم کرد: دوره ی اوّل از سال ۱۹۹۱ تا ۱۹۹۳، دوره ی دوم از ۱۹۹۳ تا ۲۰۰۳، و دوره ی سوم از ۲۰۰۳ تاکنون .

در دوره ی اوّل عربستان سعودی اقدام به شناسایی استقلال جمهوری آذربایجان کرد، اما مناسبات دو کشور به دلایل مختلفی توسعه پیدا نکرد. چرا که رویکرد جبهه ی خلق، ترکیه گرایی بود و حکومت های لائیک در ترکیه نیز به اروپاگرایی و آمریکاگرایی اولویت می‌دادند، عربستان سعودی نیز علیرغم این که از برقراری روابط دیپلماتیک با ارمنستان، به بهانه ی مناقشه ی قرا باغ و در اصل برای استفاده ابزاری از این موضوع، خودداری کرده بود، کمکی

به جمهوری آذربایجان نکرد.^۱ از این رو در این دوره تحوّل خاصی در مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از جمله در زمینه ی پیشبرد پان آدریسم ایجاد نشد. در دوره ی دوم؛ یعنی از سال ۱۹۹۳ و روی کارآمدن حیدر علی اف تا زمان درگذشت وی در سال ۲۰۰۳، پایه های روابط دو کشور گذاشته شد. به علت حساسیت های مذهبی، عربستان سعودی در پوشش نهادهای خیریه و با هدف تبلیغ وهابیت، مراکز متعددی در جمهوری آذربایجان ایجاد کرد. طلبی از جمهوری آذربایجان برای تحصیل در مدارس دینی عربستان سعودی جذب شدند و همزمان محدودیت هایی برای تحصیل طلب در ایران اعمال شد (احمدی، دادگر، ۱۳۹۵، ۳۳۶). در این مقطع، استفاده از پتانسیل های وهابیت برای مهار تشیع در جمهوری آذربایجان به طور جدی ولی به صورت غیرعلنی به ویژه از طریق انتشار کتاب هایی که مورد حمایت کمیته ی دولتی اموردینی بودند، پیگیری می شد. با وجود این از آنجا که رویکرد جمهوری آذربایجان ناتو گرایی، آمریکاگرایی و اروپاگرایی بود، در رسانه ها نوعی نگاه منفی به کشورهای عربی حاکم بود. از سال ۱۹۹۹م هر ساله در مجمع عمومی سازمان ملل درباره ی مناقشه ی قرا باغ رأی گیری می شود و باکو از آن زمان تلاش می کند که همه ی کشورهای عربی به نفع تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان رأی دهند. در این دوره ، علیرغم همکاری های دو طرف در ترویج وهابیت ، نشانه ای از همکاری در زمینه ی قوم گرایی دیده نمی شود .

دوره ی سوم مناسبات باکو و ریاض که از سال ۲۰۰۳ تاکنون (۲۰۱۹) را شامل می شود و می توان آن را دوره ی جهش در مناسبات دو کشور خواند. تأثیر هویت سازی جعلی بر رفتارهای سیاست خارجی در قالب نظریه ی سازه انگاری در این دوره از روابط باکو و ریاض مشهود می باشد. این دوره که با روی کارآمدن الهام علی اف شروع می شود با سفر فروردین ۱۳۹۴ش (آوریل ۲۰۱۵) الهام علی اف به عربستان سعودی وارد مرحله ی جدیدی می گردد که از جمله ابعاد آن، همکاری دو طرف در زمینه ی ترویج قوم گرایی آذری می

۱. آدام شیف (Adam Schiff) سناتور امریکایی، در آوریل ۲۰۱۹ وب سایتش فاش کرد: عربستان سعودی حاضر شده است برای تصویب طرح «نسل کشی» ارمنه در کنگره ی آمریکا، حمایت های مالی لازم را به عمل آورد (PanARMENIAN.Net, 2019). این موضوع مؤید نگاه ابزاری ریاض به مناقشه ی قراباغ می باشد.

باشد. در این دوره مناسبات باکو با ریاض به دلایل متعددی به شدت افزایش یافته است که بخشی از آن‌ها عبارتند از:

. تشدید رویکرد شیعه ستیزی در جمهوری آذربایجان و تمایل باکو به استفاده‌ی بیشتر از وهابیت برای مقابله با شیعیان؛ در این راستا جمهوری آذربایجان علیرغم تبلیغات گسترده درباره‌ی ساخت مساجد جدید، اداره‌ی اغلب این مساجد را در اختیار وهابی‌ها گذاشته است و بر اساس قانون جدیدی که در ماه مه ۲۰۰۹ تصویب شد، امکان فعالیت‌های تبلیغی «اسلامی» بسیار محدود شد (سرحدچی، ۱۳۹۵، ۱۷۴).

. تعمیق مناسبات جمهوری آذربایجان با رژیم صهیونیستی و درخواست تل آویو از باکو برای توسعه‌ی مناسباتش با ریاض.

. ظهور تروریسم تکفیری در عراق و سوریه و تهدید تروریست‌های قفقازی تبار داعش از جمله گروه‌های شیستانی به اعلام جهاد علیه الهام علی‌اف و متعاقب آن درخواست جمهوری آذربایجان از عربستان سعودی برای استفاده از نفوذ خود بر داعش جهت عدم اقدام آن‌ها علیه دولت باکو.

ناکامی‌های پی‌درپی سیاست‌های تنش‌زایانه‌ی عربستان سعودی در غرب آسیا و تلاش ریاض برای ضربه زدن به ایران از طریق افزایش حضور در همسایگان ایران به ویژه جمهوری آذربایجان.

مشکلات اقتصادی جمهوری آذربایجان به ویژه پس از کاهش جهانی قیمت نفت و تمایل باکو برای جذب سرمایه‌گذارهای عربستان سعودی^۱.

همسویی باکو با سیاست‌های خاورمیانه‌ای آمریکا و تلاش برای کسب رضایت این کشور جهت عدم طرح مباحث حقوق بشری علیه جمهوری آذربایجان.

۱. سوزان سولیکا راسمن، محقق دانشگاه براندیس Brandeis آمریکا، معتقد است: باکو برای کسب درآمد، به پول عربستان سعودی جهت تزریق به تقویت اقتصاد رو به رشد خود می‌نگرد. به لحاظ سیاسی، داشتن یک متحد ثروتمند و قدرتمند مانند عربستان سعودی به جمهوری آذربایجان کمک خواهد کرد تا به سیاست متعادل‌تر خارجی در قبال ایران و روسیه و نه صرف تکیه بر ترکیه به عنوان تنها متحد واقعی‌اش دست یابد (Rothman, 2014).

کاهش وجهی اسلام ستیزی جمهوری آذربایجان در خارج از مرزها از طریق مناسبات با عربستان سعودی به عنوان خادم الحرمین و کاهش فشار افکار عمومی در داخل از طریق انتشار عکسهای حضور الهام علی اف و خانواده اش در مکه و مدینه.

استفاده از پتانسیل های عربستان سعودی به عنوان رئیس شورای حقوق بشر سازمان ملل (در آن مقطع) برای جلوگیری از طرح نقض حقوق بشر در این کشور

در این دوره فعالیت گروه های وهابی در جمهوری آذربایجان که مراکز سعودی آنها را پایه گذاری کرده و تأمین مالی می کنند، افزایش یافت. همچنین این گروه ها با تشکیل شبکه ای گسترده به جذب نیرو از منطقه ی قفقاز و آسیای مرکزی برای داعش و سایر گروههای تروریستی وهابی در سوریه و عراق اقدام کرده اند.

نقطه ی عطف در این دوره در مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی ، سفر اعلام نشده ی الهام علی اف به عربستان سعودی در فروردین ۱۳۹۴ بود . الهام علی اف به همراه خانواده و هیأت سیاسی، اقتصادی و مذهبی همراه خود پنجم آوریل ۲۰۱۵ در یک سفر از قبل اعلام نشده به عربستان سعودی رفت. ملک سلمان در یک پایگاه نظامی با وی دیدار کرد. رسانه های رسمی و غیررسمی جمهوری آذربایجان سعی کرده اند استقبال شاه و شاهزاده های سعودی از الهام علی اف و خانواده و هیات همراهش را ناشی از افزایش نفوذ شخص علی اف در منطقه قلمداد کنند اما چنانچه تحولات بعدی نشان داد، اهداف سیاسی و فرقه ای پشت پرده ی این سفر مهم بود. در شرایطی که به علت کشتار مردم یمن، بخصوص شیعیان این کشور و توطئه علیه مردم عراق و حزب الله لبنان، چهره ی ضد شیعی سعودیها بیش از پیش نمایان شده است، شاه سعودی نمایش استقبال از رییس جمهوری یک کشور شیعه را فرصتی فوق العاده برای تطهیر عربستان سعودی و سرپوش گذاشتن بر شیعه ستیزی آل سعود می دانست (حشمتی، ۱۰ مرداد ۹۷) .

گزارشها و تحلیل هایی که شبکه ی تلویزیونی العربیه از سفر الهام علی اف و هیأت همراهش به عربستان سعودی پخش می کرد، آشکارا گواه اهداف امنیتی - سیاسی سعودیها از نزدیک شدن به باکو می باشد. ریاض سعی دارد نفوذ معنوی ایران در عراق، یمن، لبنان و سوریه و

سایر کشورهای اسلامی را با نفوذ در جمهوری آذربایجان و ترویج وهابیت در این جمهوری و حرکت‌های ایدئولوژیک فرقه ای و قومی علیه جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهد. عربستان سعودی برای رسیدن به این هدف از مشکلات ناشی از کاهش درآمدهای نفتی جمهوری آذربایجان به خوبی بهره می‌گیرد. در سفرهای سرمایه داران سعودی به جمهوری آذربایجان که اندکی پس از سفر الهام علی‌اف افزایش یافت، به مقامات باکو این گونه القا شده است که آن چه ترکیه را از گرفتار شدن به بحرآن‌های مالی و اقتصادی اروپا در سال‌های اخیر نجات داد، روی آوردن آنکارا به سرمایه‌گذاری‌های عربی بود و باکو نیز برای جلوگیری از تعطیلی و رکود در طرح‌های نفت و گاز خود نیازمند چنین رویکردی است.

جهش بی‌سابقه در مناسبات باکو و ریاض پس از سفر علی‌اف به ریاض و همسویی با محور عبری - سعودی در برخی از مسایل منطقه ای نظیر بحران یمن، کاربرد واژه ی مجعول خلیج به جای خلیج فارس توسط رئیس جمهوری آذربایجان (azertag, 17.11.2016)، تشدید اقدامات کمیته ی دولتی امور دیاسپورا، از جمله تأکید فؤاد مراداف رییس این کمیته بر تأمین مالی و بدون محدودیت کشوری طرح های آذربایجان‌گرایی در قالب «صندوق دیاسپورا» (modern.az, 14 April 2019)، دیدار ترکی الفیصل رییس پیشین استخبارات سعودی و رابط ریاض با سازمان منافقین با الهام علی‌اف در باکو در مارس ۲۰۱۹ (AZƏRTAC, 15 mart 2019) نشان داد که توافقات امنیتی مهمی، به ویژه در زمینه ی ترویج قوم‌گرایی آذری صورت گرفته است که طی آن همراهی باکو با اقدامات تنش‌زایانه ی امنیتی جبهه ی صهیونیستی - سعودی تشدید می‌شود.

در واقع پس از رسوایی که در سال ۱۳۹۵ش با انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان ایجاد و مشخص شد که توان وزارتخانه ی مذکور برای توسعه ی نفوذ وهابی‌ها در مراکز تجاری، دینی، آموزشی و سیاسی این کشور به کار گرفته شده است^۱، این دیدگاه خوشبینانه

۱. در جریان انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان مشخص شد یالچین محمود اف از نزدیکان الدار محموداف، وزیر امنیت ملی آذربایجان، تحت حمایت وزارتخانه ی مذکور، وظیفه ی حمایت از فعالیت تشکلهای وهابی، کمک به گسترش نفوذ گروه‌های وهابی در مرکز و جنوب جمهوری آذربایجان و هدایت زیرزمینی فعالیت‌های وهابیون، ایجاد پوشش تجاری برای فعالیت وهابیون، پیگیری آزادی آنها در صورت بازداشت احتمالی را بر عهده داشته است (خاورمیانه، ۱۳۹۵).

ایجاد شد که باکو از پیگیری اهداف خاص در توسعه‌ی مناسباتش با ریاض خودداری خواهد کرد؛ چرا که جمهوری آذربایجان با تبلیغات فراوان از انحلال وزارت امنیت ملی، انجام اصلاحات و تأسیس دو سرویس امنیت داخلی و خارجی به دنبال این رسوایی خبر داده بود. اما سفر الهام علی‌اف به عربستان سعودی و تحولات پس از آن نشان داد که انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان به معنای پایان همکاری‌های امنیتی باکو با ریاض نبوده و ابعاد همکاری‌های امنیتی علاوه بر پروژه‌ی توسعه‌ی وهابیت، به ترویج پان آدریسم و قوم‌گرایی در ایران توسعه پیدا کرده است.

پس از سفر مذکور، دیدارها و رفت و آمدهای متقابل میان باکو و ریاض به طور جهشی افزایش یافته است که به تعدادی از آن‌ها به صورت خلاصه اشاره می‌شود:

سفر عادل بن زاید الطریفی، وزیر فرهنگ و اطلاع‌رسانی عربستان سعودی، به باکو (azertag.az, 27.04.2016)، دیدار علی‌اف با خالد الفالح، وزیر انرژی عربستان سعودی در دی ۱۳۹۵ش در داووس و تأکید بر همکاری شرکت‌های نفتی «سعودی آرامکو» و «سوکار» (president.az, 18 yanvar 2017)، سفر علی‌حسن‌اف، دستیار ارشد رییس جمهوری آذربایجان به ریاض در بهمن ۱۳۹۵ و تأکید بر لزوم افزایش گردشگران سعودی به باکو از ده هزار نفر در سال ۲۰۱۶ به ۳۰ هزار نفر در سال ۲۰۱۷ و مشارکت ریاض در طرح دهلیز جنوبی گاز (azertag.az, 07.02.2017). در ادامه‌ی توسعه‌ی مناسبات باکو و ریاض، ژنرال ذاکر حسن‌اف، وزیر دفاع جمهوری آذربایجان، اواسط فروردین ۱۳۹۶ش در سفر به عربستان سعودی از مقرر ائتلاف نظامی تحت ریاست سعودی، موسوم به «مرکز ائتلاف ضد ترور کشورهای اسلامی»، دیدن و با وزیر دفاع سعودی گفتگو کرد (azertag.az, 05.04.2017). به دنبال آن روزنامه‌ی «ینی مساوات»- چاپ باکو- نوشت: با سفر ترامپ به ریاض «ناتوی اسلامی» علیه ایران، عراق، یمن، سوریه و حزب الله لبنان ایجاد می‌شود و هیچ کشوری نمی‌تواند مانع عضویت جمهوری آذربایجان در «ناتوی اسلامی» شود (TURAN, 20.05.2017). در آوریل ۲۰۱۹ نیز ژنرال «نجم الدین صادق‌اف» و «فیاض بن حامد الرویلی» رؤسای ستاد

مشترک جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، قرارداد همکاری نظامی در ریاض امضا کردند (mod.gov.az, 2019).

بدین ترتیب در دوره‌ی الهام علی‌اف مناسبات باکو و ریاض در سطوح امنیتی، نظامی و سیاسی توسعه پیدا کرد. رئیس‌جمهوری آذربایجان در تمامی این سفرها، از جمله سفر اردیبهشت ۱۳۹۶ش به ریاض در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود با نقض شیوه‌نامه‌ی سازمان ملل، از واژه‌ی معجول خلیج به جای خلیج فارس استفاده کرد. چنین رویکرد سیاسی باعث بدبینی به تمامی زمینه‌های همکاری باکو و ریاض می‌شود. به عنوان مثال درخواست باکو برای حضور آرامکو در طرح‌های انرژی، در شرایطی است که سوکار همواره خود را به عنوان سرمایه‌گذار طرح‌های انرژی در دیگر کشورها از جمله ترکیه معرفی می‌کند، بنابراین سوکار نباید نیازمند سرمایه‌گذاری کشورهای فاقد دانش روز استخراج نفت نظیر عربستان سعودی باشد. از این رو به نظر می‌رسد یکی از هدف‌گذاری‌های جمهوری آذربایجان از همکاری‌های انرژی با عربستان سعودی، ایجاد پوششی برای همکاری‌های امنیتی و سیاسی با ریاض است.

علل گرایش عربستان سعودی به تقویت پان‌آدریسیم

از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری، اقدامات عربستان سعودی برای تحمیل هویت وهابیت تکفیری به عنوان هویت جهان اسلام و معرفی نظام سعودی، به عنوان نماینده‌ی جهان تسنن، ریشه‌ی رویکردهای ضد‌ایرانی عربستان سعودی را تشکیل می‌دهد. تشدید این رویکرد در دوره‌ی ملک سلمان نیز ناشی از شکست این رویکرد و سایر ناکامی‌های پی‌در پی ریاض در منطقه و جهان علیرغم سرمایه‌گذاری‌های هنگفت این کشور می‌باشد. درک سیاست تهاجمی عربستان سعودی را می‌توان در چارچوب الگوی رفتار جدید سیاست خارجی این کشور تبیین کرد که ناشی از تغییر شرایط داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی است. عوامل تاثیرگذاری در این رویکرد در سطوح داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی عبارتند از:

. تصمیم‌گیرندگان جدید سیاسی و امنیتی در عربستان سعودی با محوریت محمد بن سلمان : ذهنیت این تیم جدید در واقع خارج کردن عربستان سعودی از سکون سابق و فعال کردن ظرفیت‌های وهابیت تکفیری است.

. خلأ قدرت در جهان عرب : جهان عربی که خیابان‌هایش دیگر در تصرف صدام‌ها و قذافی‌ها نیست و مبارک و اسد‌هایش از قدرت برکنار یا ضعیف شده‌اند.

. افزایش نفوذ ایران : افزایش ضریب نفوذ ایران در جهان عرب از یک‌سو و تغییر فضای بین‌المللی به نفع ایران و شکست پروژه‌ی ایران‌هراسی باعث ناخرسندی سعودی‌ها شده است.

. گسست در پیوند با آمریکا : روندی که اولین جرعه‌ی آن از ۱۱ سپتامبر زده شد و بعدها با سقوط صدام و تحولات بهار عربی عینیت یافت. سعودی‌ها بیم آن دارند، سیاست نگاه به شرق آسیای آمریکا رنگ واقعیت به خود گرفته، نیاز واشنگتن به نفت غرب کمتر شود و آمریکا به سمت تنوع در شرکای منطقه‌ای خود حرکت کند (کرمی، ۹۵/۰۵/۰۷).

شکست سیاست‌های عربستان سعودی در مقابل جبهه‌ی مقاومت تنها به تحولات سوریه، عراق، یمن، بحرین و لبنان محدود نشده است، بلکه در جهان غرب نیز انزجار از افکار عمومی از عربستان سعودی به واسطه‌ی تغذیه‌ی فکری، مالی و تسلیحاتی تروریسم افزایش یافت و برخی از اندیشکده‌های غربی علیرغم دلارهای نفتی عربستان سعودی، از این کشور به عنوان «مادر تروریسم» و «بزرگترین حامی مالی تروریسم» نام بردند. در آمریکا نیز علیرغم سرمایه‌گذاری ۷۵۰ میلیارد دلاری عربستان سعودی، قانون جاستا علیه این کشور به تصویب رسید. قانون «عدالت در برابر حامیان تروریسم»^۱ (معروف به جاستا) به خانواده‌های قربانیان حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ امکان می‌دهد مقامات سعودی دخیل در این حملات را تحت پیگرد قانونی قرار دهند. این قانون به دادگاه‌ها اجازه می‌دهد هنگام وقوع حمله‌ی تروریستی در داخل خاک آمریکا مصونیت قضایی و حاکمیتی که دولت‌های خارجی به طور سنتی از آن برخوردار هستند را برای دولت یا دولت‌های مظنون به مشارکت در چنین حملاتی لغو کنند.

^۱ Justice Against Sponsors of Terrorism Act

تصویب این قانون بعد از آن صورت گرفت که کنگره ی آمریکا با انتشار ۲۸ صفحه سند تأکید کرد: دست‌کم چند نفر از عاملان حملات ۱۱ سپتامبر با مقام‌های دولت عربستان سعودی در تماس بوده‌اند، ۱۵ نفر از ۱۹ هواپیماربای عامل حملات ۱۱ سپتامبر نیز شهروندان عربستان سعودی بوده‌اند. پس از آنکه عادل الجبیر، وزیر خارجه عربستان سعودی، تهدید کرده بود: ریاض در صورت تصویب قانون مذکور ۷۵۰ میلیارد دلار اوراق بهادار در خزانه‌داری آمریکا و دیگر دارایی هایش در آمریکا را به فروش خواهد رساند، باراک اوباما، رئیس جمهور وقت آمریکا، ۲۳ سپتامبر ۲۰۱۶م مصوبه ی کنگره را وتو کرد اما نمایندگان مجلس سنا و مجلس نمایندگان ۲۸ سپتامبر ۲۰۱۶م با استفاده از اختیارات قانونی خود وتوی رئیس جمهور را بی اثر و این قانون را تصویب کردند. پایگاه خبری «بازفید» آمریکا نیز در ۲۱ مارس ۲۰۱۷م دادخواست ۱۳۵ صفحه ای ۸۰۰ تن از بستگان قربانیان حوادث ۱۱ سپتامبر را منتشر کرد که آن را در ۲۰ مارس ۲۰۱۷م به دادگاه فدرال منطقه ی منهتن شهر نیویورک ارائه دادند. شاکیان در دادخواست خود ضمن درخواست غرامت از دولت عربستان سعودی برای جبران آسیبی که حملات ۱۱ سپتامبر به آن‌ها وارد کرده، برخی جمعیت های خیریه و نهادهای دولتی سعودی را به برقراری روابط با اسامه بن لادن، رهبر پیشین القاعده، متهم کردند (Koerner, Mar. 21, 2017).

عربستان سعودی که ریشه ناکامی های خود در پیشبرد سیاست های تفرقه افکنانه ی منطقه ای اش را ایران می داند به اقدامات متعددی علیه تهران دست زده است. نگاه آمریکا به عربستان سعودی را می توان سیاست نگاه به عربستان به عنوان پمپ بنزین یا سیاست چشم پوشی از شرارت نام برد (حاجی یوسفی، ۱۳۸۳ : ۲۸). سفر ترامپ به ریاض نیز این دیدگاه را تأیید کرد؛ بر این اساس نیز این سفر رویکردهای تنش زایانه ی عربستان سعودی در منطقه را تشدید کرده است. تجارب گذشته نشان می دهد که کشورهای خارجی زمانی که با جمهوری اسلامی ایران بر سر موضوع ثانویه ای اختلاف پیدا می کنند، درصدد برمی آیند تا از مسئله ی اقوام ایرانی به منزله ی یک اهرم برای تحت فشار قرار دادن جمهوری اسلامی ایران استفاده نمایند (واحدی، ۵ دی ۱۳۹۴). عربستان سعودی نیز درکنار اقدامات تنش زایانه ی متعدد علیه

ایران، برای تفرقه‌ی قومی نیز تلاش می‌کند. به عنوان نمونه صفحات اجتماعی قومگرا وابسته به عربستان سعودی، بویژه در شبکه‌ی پیام‌رسان تلگرام، افزایش چشمگیری داشته است که از جمله آن‌ها می‌توان به کانال آراز نیوز اشاره کرد که برای رنگ سیاسی و قومی دادن به بازی‌های تیم تراکتورسازی تبریز فعالیت می‌کند (axar.az,2019.05.01).

در نگاه کلی اقدامات ضد ایرانی ریاض، به ویژه از سال ۲۰۱۵م، به طور تیتروار عبارتند از: قطع روابط سیاسی-اقتصادی: اگرچه حمله به سفارت عربستان بهانه را در اختیار سعودی‌ها برای قطع روابط سیاسی-اقتصادی قرار داد، اما سرعت ریاض در قطع روابط نشان داد که از قبل برای چنین سناریویی برنامه‌ریزی دقیقی شده است.

یارگیری و بسیج دولت‌های عربی-آفریقایی: به دنبال قطع روابط عربستان با ایران و در هماهنگی با این تصمیم، بحرین، سودان، سومالی، جیبوتی و کومور روابط خود با تهران را قطع و امارات متحده‌ی عربی نیز روابط خود را به سطح کاردار تنزل داد.

تلطیف روابط با رژیم صهیونیستی: این در شرایطی است که ریاض همواره مدعی بود: روابط با اسرائیل خط قرمز آل سعود به دلیل حساسیت‌های داخلی و افکار عمومی در جهان عرب می‌باشد.

فعال کردن ظرفیت سازمان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی: ریاض به ویژه به بهانه‌ی حمله به سفارتش در تهران، با بهره‌گیری از سازمان‌ها و نهادهای منطقه‌ای و بین‌المللی، همچون شورای همکاری، اتحادیه‌ی عرب، سازمان همکاری اسلامی و شورای امنیت، برخی از دولت‌های عربی، اسلامی و غیرعربی از جمله کشورهای آفریقایی را به قطع یا کاهش روابط با ایران ترغیب کرد.

فعال کردن گروه‌های تروریستی نیابتی: از جمله تقویت بیشتر گروه‌های تروریستی در مرزهای غربی و شرقی ایران و حمایت علنی از منافقین (کریمی، ۹۵/۰۵/۰۷).

در میان مجموعه اقدامات عربستان سعودی برای فشار به ایران، استفاده از گروه‌های تروریستی و تجزیه طلب، اهمیت ویژه‌ای برای ریاض دارد. چنانچه گریگوری تروفیمچوک،

کارشناس سیاسی روسی، تأکید کرده است: استفاده از ابزار تحریک قومی از صدها عملیات تروریستی، قوی تر به نظر می‌رسد (musavat, 14.06.2017).

ریاض تجربه طولانی در حمایت فکری، مالی و تسلیحاتی از گروه‌های تروریستی در شرق و غرب ایران به منظور ایجاد بحران‌های قومی و درگیری‌های فرقه‌ای و اختلاف میان شیعه و سنی دارد. قراین متعددی نشان می‌دهد که عربستان سعودی همواره حمایت از بقایای احزاب تروریستی دموکرات و کومله را در دستور کار داشته است، اما ریاض در رویکرد جدید می‌کوشد از ابزارهای جدیدتری نیز استفاده کند که تمایل به ایجاد تحریکات قومی در میان آذربایجان ایران نشان‌دهنده‌ی این موضوع است. عربستان سعودی علاوه بر پیگیری رویکرد جدایی طلبی قومی در میان بلوچ‌ها، کردها و عرب‌های ایران، به دنبال ایجاد فتنه‌های قومی میان آذربایجان ایران است. نقش افتخار آمیز آذربایجان ایران در طول تاریخ در دفاع از ایران از جنگ چالدران گرفته تا رشادت‌های آنان در مشروطیت و انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، بغض و کینه‌ی عجیبی در میان دشمنان ایران ایجاد کرده است. از این رو در تحول جدید، عربستان سعودی نیز به حمایت آمریکا و رژیم صهیونیستی آمده است تا با همکاری باکو که بیش از دو دهه روی ابعاد نظری و عملی پان آدریسم کار کرده است، انرژی تازه‌ای به ایده‌های شوونیستی بدهند. محور غربی-عبری-سعودی امیدوارند با ایجاد مسایل قومی، هویت ایرانی-اسلامی را که مهمترین عامل وحدت ایرانیان است، به چالش بکشانند. این در شرایطی است که از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری پیوند آل سعود و وهابیت و ایجاد هویت تحمیلی در جزیره العرب، مهمترین دلیل رفتارهای تنش‌زایانه‌ی ریاض می‌باشد.

در این روند، عربستان سعودی اهداف گسترده‌ای نظیر پیوند با دیاسپورای آذری باکو، ارتباط گیری با فعالان قومی تجزیه طلب، توسعه‌ی فعالیت کانالهای تجزیه طلب در تلگرام و سایر شبکه‌های پیام‌رسان، تبدیل کردن نمادهای ورزشی به سمبول‌های واگرای قومی، پرداختن به مسایل قومی در شبکه‌ی العربیه و ایران اینترنشنال، حمایت مالی از شبکه‌ی تجزیه طلب گون آذتی‌وی در شیکاگو و نهایتاً جهت دادن تجزیه طلبان فراری به فعالیت‌های نظامی دنبال می‌کند. در این موارد عربستان سعودی، روی پتانسیل‌های جمهوری آذربایجان حساب

ویژه ای باز کرده است. در تقسیم کاری که در اتاق مشترک سعودی - صهیونیستی - نخبجویی صورت گرفته است، تل آویو نقش جهت دهی فکری و امنیتی و ریاض نقش تامین مالی و تسلیحاتی را دارد. باکو نیز ماموریت دارد از یک سو با هدف حساسیت زدایی در دستگاه های سیاسی و امنیتی ایران، خود را مشتاق توسعه ی همه جانبه ی مناسبات با تهران نشان دهد و از سوی دیگر به تقویت شبکه سازی در میان آذریها و پیوند دادن آن‌ها به رژیم صهیونیستی و عربستان سعودی اقدام کند .

سوابق همکاری های امنیتی باکو و ریاض (از ترویج وهابیت تا قوم گرایی)

اگرچه همکاری های سیاسی و اقتصادی جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی، به ویژه قبل از سال ۲۰۰۳ م، محدود بود اما قراین نشان می دهد که همکاری های امنیتی باکو و ریاض از ابعاد بیشتری برخوردار بوده است. در ابتدا مهمترین زمینه ی همکاری امنیتی میان دو طرف، ایجاد و گسترش وهابیت در جمهوری آذربایجان بوده است.^۱ عربستان سعودی نقش تغذیه ی فکری و مالی و تسلیحاتی وهابیت تکفیری در اقصی نقاط جهان را به عهده دارد، و به اذعان اندیشکده های غربی، سالانه میلیاردها دلار در این زمینه هزینه می کند. جمهوری آذربایجان به علت همسایگی با ایران و روسیه و شیعه بودن اکثریت جمعیت آن، از جذابیت ویژه ای برای عربستان سعودی جهت توسعه ی وهابیت برخوردار می باشد . هدف گذاری عربستان سعودی آن است که از موقعیت جمهوری آذربایجان برای تقویت وهابیت در قفقاز شمالی و سایر مناطق فدراسیون روسیه و تضعیف تشیع در داخل جمهوری آذربایجان استفاده کند .

در این میان جمهوری آذربایجان نیز پروژه ی همکاری های امنیتی با عربستان سعودی به منظور توسعه ی وهابیت را از دوره ی حیدر علی اف با اهداف ذیل کلید زد.

. اشتراکات تاریخی و تمدنی جمهوری آذربایجان با ایران و هراس از گرایش اکثریت شیعیان جمهوری آذربایجان به انقلاب اسلامی ایران.

۱. "محسن صمداف" رئیس محبوس حزب اسلام جمهوری آذربایجان گفته است : وهابیان از سال ۱۹۹۷ تاکنون پایگاه هایی را در جمهوری آذربایجان تأسیس کرده اند و با ساخت و نفوذ در مساجد این کشور به تبلیغ عقاید خود می پردازند.

. پیشبرد طرح غربی - صهیونیستی مهار تشیع در جمهوری آذربایجان از طریق توسعه ی وهابیت و همچنین ترویج فعالیت های مسیونری مسیحیت.

. ایجاد پایگاهی برای وهابیت به ویژه در مناطق سنی نشین شمال جمهوری آذربایجان به منظور تقویت جریان های افراطی ضد رومی در قفقاز شمالی.

. هدف گذاری تغییر بافت مذهبی مناطق شیعی و تالش نشین در جنوب جمهوری آذربایجان.

. جلب حمایت های مالی و سیاسی عربستان سعودی و کشورهای عربی.

. به کارگیری شبه نظامیان وهابی در صورت از سرگیری مناقشه ی قرا باغ.

. رفع موانع هویت سازی جدید در جمهوری آذربایجان از طریق تضعیف ارزشهای اسلامی و ملی.

همکاری های امنیتی عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان برای توسعه ی وهابیت شامل طیف گسترده ای می شود که برخی از آنها عبارتند از :

تأسیس مؤسّسات پوششی خیریه برای ترویج وهابیت تکفیری از جمله مؤسّسات Ümumdünya İslam Gençler Assambleyası و IIRO وابسته به عربستان سعودی.

اعزام طلبّاب آذری به مدارس و دانشگاههای دینی عربستان سعودی که قامت سلیمان اف، رئیس وهابیون جمهوری آذربایجان، از جمله ی آنهاست.

تأسیس کمیته ی دولتی امور دینی با رویکرد مهار تشیع و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از توسعه ی وهابیت.

انتشار کتب تبلیغ وهابیت به موازت ممنوعیت و محدودیت انتشار کتب شیعی ، افشای وجود دهها هزار کتاب تبلیغ وهابیت در انبارهای کمیته ی دولتی امور دینی در سال ۲۰۰۱م مؤید این موضوع است.

. تأسیس مساجد و مراکز وهابی با محوریت مسجد ابوبکر در باکو و استقبال از احداث مساجد توسط عربستان سعودی و کویت در این کشور.

. زمینه سازی حضور وهابیون در مراکز مهم تجاری جمهوری آذربایجان از جمله بازارهای بینه و سدرک در باکو.

. ایجاد نشریه و سایت های اینترنتی ترویج وهابیت در جمهوری آذربایجان مانند سایت سلف خبر.

. ایجاد شبکه ای گروه های وهابی در نقاط مختلف جمهوری آذربایجان، بویژه در مساجد.
. ایجاد تسهیلات برای ازدواج وهابیون با اتباع جمهوری آذربایجان با هدف جذب مردم آن مناطق به فرقه ی وهابیت و افزایش نسل وهابیون.

علیرغم ابعاد گسترده ی همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان و رژیم سعودی برای توسعه ی وهابیت برای سال های متمادی خبری درباره ی کم و کیف این همکاریها منتشر نمی شد. مقامات باکو منکر هرگونه همکاری در این خصوص بودند، تا اینکه در جریان افشاگری های مربوط به انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان در سال ۲۰۱۵ که منجر به بازداشت الدار محموداف وزیر امنیت ملی این کشور شد، ابعاد تکان دهنده ای از این موضوع فاش شد. بر اساس این افشاگری ها، وزرات امنیت ملی جمهوری آذربایجان برای سال های طولانی در نقش یک پیمانکار، تلاش های همه جانبه برای نفوذ دادن وهابیون در مراکز حسّاس و فراهم کردن فعالیت های تجاری آنها انجام داده است و در این خصوص مبالغ هنگفتی را از عربستان سعودی دریافت کرده است .

همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی برای توسعه ی وهابیت، تبعات متعددی داشت که به نظر می رسد برخی از آنها خارج از محاسبات باکو بوده است :
. ایجاد گروه‌های شبه نظامی وهابی در جمهوری آذربایجان از جمله برادران جنگل.

. توسعه ی وهابیت در باکو، سومگائیت و برخی از مناطق جمهوری آذربایجان و نمایش قدرت آنها از طریق برگزاری نماز عید قربان سال ۱۴۳۸ ق در یکی از خیابان های پایتخت.
در حال حاضر تعداد وهابی ها در جمهوری آذربایجان حدود ۵۰ هزار نفر است و آنها به ۴ گروه خوارج امروز، جماعت هجرت، تکفیر و اخوان تقسیم می شوند.

. ایجاد شهرک وهابی مشفق آباد توسط عربستان سعودی در حومه ی باکو از طریق شبکه‌های وهابی در مساجد و مراکز پوششی خیریه و با ترفند تأمین مسکن اقساطی برای دینداران.

. افزایش مساجد وهابی در جمهوری آذربایجان به موازات فشارها بر مساجد شیعی؛ از ۱۳۰۰ مسجد فعال در جمهوری آذربایجان، حدود ۱۵۰ مسجد تحت نظارت وهابیون قرار دارند. جذب صدها نفر به گروه‌های تروریستی داعش و فتح الشام (جبهه النصره) در سوریه و عراق از جمهوری آذربایجان و با همکاری ترکیه و عربستان سعودی؛ وزارت کشور جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۱۷ و ۲۰۱۸ به پیوستن تعدادی از اتباع این کشور به داعش اذعان کرد.

انجام چندین عملیات خرابکاری از سوی گروه‌های وهابی مانند برادران جنگل، تهدید تکفیری‌های قفقاز به اعلام جهاد علیه دولت الهام علی اف، فاش شدن تحرکات عربستان سعودی برای انبارکردن تسلیحات در مشفق آباد در حومه‌ی باکو که همگی به موازات بی‌سابقه‌ترین فشارها علیه شیعیان و فعالان شیعی جمهوری آذربایجان صورت می‌گرفت، موجب نگرانی محافل دولتی درباره‌ی احتمال از کنترل خارج شدن پروژه‌ی توسعه‌ی وهابیت شد. از این رو در جریان انحلال وزارت امنیت ملی جمهوری آذربایجان، رسانه‌های رسمی باکو تلاش کردند که اینگونه القا کنند که گویا موضوع توسعه‌ی وهابیت توسط این وزارتخانه اقدامی خودسرانه بوده است. همچنین باکو با موافقت با انتشار چند کتاب شیعی در نقد وهابیت تلاش کرد که عزم خود را در مخالفت با وهابیت نشان دهد.

جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از تجربه‌ی همکاری امنیتی حداقل دو دهه‌ای در زمینه‌ی ترویج وهابیت تکفیری- تروریستی برخوردار هستند. این همکاریها پس از روی کارآمدن الهام علی اف در سال ۲۰۰۳ به ویژه پس از سال ۲۰۱۱ و تشدید شکست سیاست‌های منطقه‌ای ریاض، به سمت قومیت‌گرایی توسعه‌پیدا کرده است. پروژه‌ی همکاری‌های عربستان سعودی با جمهوری آذربایجان در زمینه‌ی ترویج قوم‌گرایی، اولین پروژه‌ی همکاری‌های امنیتی دو کشور محسوب نمی‌شود. همکاری‌های باکو و ریاض برای توسعه‌ی پان‌آدریسیم و ایجاد فتنه‌ی قومی در ایران نیز به مانند توطئه‌ی توسعه‌ی وهابیت از ابعاد گسترده‌ای برخوردار است .

ابعاد همکاری‌های باکو و ریاض در پیشبرد پان آدریس

بهره‌گیری از ابزار تفرقه‌ی قومی، یکی از راهبردهای دشمنان ایران است. تعدادی از اندیشکده‌های آمریکایی مانند رند و امریکن اینترپرایز در مورد استفاده از پتانسیل اقوام ایرانی جهت ایجاد اغتشاشات داخلی و استفاده از این گزینه در حمله‌ی احتمالی به ایران و نهایتاً براندازی نظام، تحقیقات و کنفرانس‌هایی برگزار کرده‌اند. گراهام فولر در کتاب قبله‌ی عالم، مسأله‌ی قومیت‌ها را به عنوان پاشنه‌ی آشیل ایران معرفی می‌کند که هرگاه قدرت‌های فرامنطقه‌ای با ایران درگیر می‌شوند، درصدد استفاده از این اهرم فشار برمی‌آیند (فولر، ۱۳۹۴، ۳۰۱۶). از دیدگاه تئوریسین‌های آمریکایی به ویژه نئوکان‌ها، برای ضربه زدن به ایران و تضعیف جایگاه علمی و منطقه‌ای آن، باید از ابزار ایجاد تفرقه‌ی قومی سود جست. براندا شافر، از مستشاران سیا و رئیس مرکز مطالعات خزر در دانشگاه هاروارد، در کتاب «مرزها و برادری» بر لزوم بهره‌گیری از آذریها برای تغییر رژیم در ایران تأکید کرده است. در چنین فضایی بود که به ویژه از دوره‌ی دوم بوش‌پسر، اقدامات گسترده‌ای از سوی سازمان سیا و پنتاگون برای ایجاد نارضایتی در میان آذریهای ایران در دستور کار قرار گرفت. اولین گام جدی در این روند، تأسیس و تقویت یک شبکه‌ی تلویزیونی تجزیه طلب ضد ایرانی به زبان آذری به نام «گون آذ تی وی» در سال ۲۰۰۵م بود که در شیکاگوی آمریکا مستقر شد و توسط سازمان سیا اداره می‌شود. رئیس این شبکه، احمد اوبالی، می‌باشد که سال‌ها در جمهوری آذربایجان، ترکیه و آمریکا ساکن بوده و به مهره‌ای برای سازمان سیا تبدیل گشته است، فردی که در سابقه‌ی خود توهین به اهل بیت (ع) را دارد. مدتی قبل از تأسیس گون آذ تی وی، آویگدور لیبرمن وزیر امور خارجه‌ی سابق رژیم صهیونیستی در دیدار با دبیرکل ناتو، ضمن تشریح سیاست‌های این رژیم برای بهره‌برداری از جمهوری آذربایجان، از توافق برای تأسیس شبکه‌ی تلویزیونی آذری زبان خبر داده بود. تأسیس چنین شبکه‌ی نشان داد که آمریکا علاوه بر حمایت مالی از رسانه‌های ضد ایرانی، در حوزه‌ی مسایل قومی، رأساً به تأسیس شبکه‌های قوم‌گرا تمایل دارد. از این رو بخش قابل توجهی از بودجه‌ی ۷۵ میلیون دلاری که کنگره آمریکا در سال ۲۰۰۶م علیه ایران اختصاص داد، در اختیار گون آذ تی وی

قرار گرفت. در همان سال در جریان تحریک احساسات قومی در اعتراض به چاپ کاریکاتوری موهن در یکی از روزنامه‌های ایران، شبکه‌ی گون آذ تی وی به عنوان پیاده‌نظام جنگ روانی آمریکایی - صهیونیستی عمل کرد که البته با هوشیاری مردم استان‌های آذری نشین این توطئه خنثی شد. اختصاص بودجه‌ی کنگره‌ی آمریکا برای تبلیغات ضد ایرانی به شدت افزایش یافته است که بخش اعظمی از آن ویژه‌ی تحریکات قومی است. ایجاد نارضایتی قومی در میان آذریهای ایران از طریق سیاه‌نمایی، تحریف، دروغ‌پردازی و سوژه‌سازی و بخصوص سوء استفاده از برخی اشتباهات سهوی، رسالت اصلی رسانه‌های وابسته به سیا را تشکیل می‌دهد (کاظمی، ۳۰ آبان ۱۳۹۴).

همسویی شبکه‌ی آمریکایی گون آذ تی وی با شبکه‌ی سعودی العریبه برای ایجاد بحران‌های قومی در ایران، بویژه از سال ۲۰۱۵ به بعد، نشان داد که ریاض در این خصوص با واشنگتن و باکو همکاری می‌کند. آمریکایی‌ها برای پیشبرد سیاست تفرقه‌ی قومی در میان آذریهای ایران، همان طوری که «توماس مک اینری»^۱، معاون سابق ستاد نیروی هوایی این کشور، در مقاله‌اش در "ویکلی استاندارد" توصیه کرده بود، تلاش کردند که از اشتراکات و پتانسیل‌های موجود در جمهوری آذربایجان برای تحریک آذریهای ایران نیز استفاده نمایند. در این راستا با موافقت دولت باکو، شبکه‌ی تجزیه طلب گون آذ تی وی در باکو استودیوی مجهزی تأسیس و آرشیو شبکه‌ی دولتی جمهوری آذربایجان (آذ تی وی) و همچنین آرشیوهای تلویزیون‌های اجتماعی و فرهنگ این کشور در اختیار این شبکه قرار گرفت. این شبکه با برقراری ارتباط‌های زنده‌ی تلویزیونی با نمایندگان مجلس و اساتید آکادمی ملی علوم و فعالان سیاسی، رسانه‌ای و فرهنگی جمهوری آذربایجان علیه ایران برنامه پخش می‌کند. در عین حال دهها گروه، حزب و تشکل تجزیه طلب و ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان از جمله داک، بزقورد، باب، گاموح، جبهه‌ی خلق (به اصطلاح) آذربایجان واحد، همبستگی شهروندی، امید و جنبش رستاخیز ملی مستقر شده‌اند که توسط دفتر منطقه‌ای آمریکا، موسوم به دفتر امور ایران در باکو، هماهنگ و حمایت می‌شوند؛ آن‌ها زنجیره‌ای از رسانه

^۱ Thomas McInroy

های تجزیه طلب را تشکیل داده اند که برای پرورش و جذب عناصر قوم گرا در مناطق آذری نشین ایران فعالیت می کنند. «سیمور هرش» روزنامه نگار آمریکایی در مقالاتی تحت عنوان «گام بعدی» در نیویورکر فاش ساخته است که سیا و پنتاگون روابط پنهانی با قوم گرایان آذری برقرار کرده و از آن‌ها خواسته اند طرحهایی برای ایجاد تنش در مناطق آذری نشین اجرا کنند (Hersh, 2006). اسکات رتیر، تئوریسین آمریکایی، در سال ۲۰۰۶ در مقاله ای در الجزیره نوشت که سیا و نیروهای ویژه ی آمریکا، برای شوراندن آذریهای ایران، عناصر قوم گرا را در جمهوری آذربایجان آموزش می دهند. از صدها شبکه که برای ایجاد تفرقه ی قومی و مذهبی در ایران فعالیت می کنند، برخی نظیر گون آذ تی وی و جان آذ تی وی، ویژه ی ایجاد نارضایتی در میان آذری زبانان ایران هستند؛ این شبکه ها مأموریت دارند که به صورت روزمره و با دروغ پردازی از به اصطلاح ستم تاریخی علیه آذری های ایران سخن گفته و از همه ی امور حتی بازیهای ورزشی برای تحریکات قومی سوءاستفاده کنند (کاظمی، ۲۱ آبان ۱۳۹۴).

عربستان سعودی با آگاهی از عقبه ی همکاری های امنیتی جمهوری آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی در زمینه ی پیشبرد پان آدریسم، پس از روی کار آمدن ملک سلمان تلاش دارد با ورود به این زمینه، در جبهه ی جدیدی علیه ایران فعالیت کند. علیرغم تأکید باکو مبنی بر اینکه همکاری های جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی علیه کشور ثالثی نیست، اما قراین نشان می دهد که در هر دو سفر الهام علی اف به عربستان سعودی، ریاض بر سرمایه گذاری و تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله ی قومیت گرایی تأکید کرده است. رشد تصاعدی کانال های قوم گرا در شبکه های پیام رسان اجتماعی، بویژه تلگرام، که IP آن‌ها در عربستان سعودی ثبت شده ولی محتوای آن‌ها توسط فعالان قومی در باکو یا افراد مرتبط با کمیته ی دولتی دیاسپورای آذری تأمین می شود، نمونه ی بارز برای این ادعاست. جالب اینکه علیرغم تضاد ماهوی پان ترکیسم و پان عربیسم، به دلیل نقش اعراب سعودی در سقوط امپراتوری عثمانی، در این کانال ها نظیر کانال آراز نیوز، مطالب منفی علیه عربستان سعودی وجود ندارد.

تبلیغ پان آدریسیم از طریق جعل تاریخ و حمایت از فعالیت احزاب و رسانه‌های قوم‌گرا به سیاست عملی باکو تبدیل شده است. آمریکا خودداری باکو از تعطیلی استودیوی شبکه‌ی گون آذ تی وی در باکو و عدم ممنوعیت فعالیت احزاب قوم‌گرای ضد ایرانی نظیر کنگره‌ی آذری‌های جهان (داک)، علیرغم اعتراض‌های ایران، نشان‌دهنده‌ی این موضوع است. مستندات مربوط به همکاری‌های باکو و رژیم صهیونیستی درباره‌ی قومیت‌گرایی آذری، نشان می‌دهد که جمهوری آذربایجان از هر پیشنهادی در این زمینه استقبال می‌کند. از این رو باکو پس از حدود دو دهه همکاری امنیتی با ریاض برای ترویج وهابیت، اکنون پروژه‌ی توسعه‌ی پان آدریسیم تهاجمی علیه ایران را با مشارکت سعودی آغاز کرده است. همکاری‌های دو طرف در این خصوص طیف گسترده‌ای از تبادل اطلاعات، تأمین مالی گروه‌ها و رسانه‌های قوم‌گرا، ایجاد کانال‌های قوم‌گرا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی، جذب فعالان دارای گرایش‌های تجزیه‌طلبانه، القای وجود مسأله‌ی قومی در ایران از طریق عملیات روانی و فضاسازی رسانه‌ای، به ویژه در مقاطع انتخابات، تجمع گروه‌های قوم‌گرای همسو در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان و نهایتاً سوق دادن آن‌ها به فعالیت‌های نظامی را شامل می‌شود.

نمونه‌ی آشکار همکاری‌های عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان با محوریت عملیات روانی، رویداد بی سابقه‌ی سر دادن عبارت معجول (باصطلاح) خلیج عربی در بازی تیم تراکتور سازی و استقلال در آذر ۱۳۹۵ش در ورزشگاه آزادی است که از سوی شبکه‌های جمهوری آذربایجان، گون آذ تی وی و العربیه پوشش داده شد. تحلیل محتوای رسانه‌های جمهوری آذربایجان در پنج سال اخیر حاکی از تلاش باکو برای تبدیل کردن تیم ملی تراکتور به یک نماد مطالبه‌ی قومی است. آن‌ها این گونه القا می‌کنند: مناطق آذری‌نشین ایران نه از تیم پیروزی و نه از تیم استقلال بلکه از تیم تراکتور حمایت می‌کنند و مشابه فوتبال، از لحاظ سیاسی نیز نه راست را قبول دارند و نه چپ را. نمایش شعارهای معجول، تجزیه طلبانه و پرچم‌های جمهوری آذربایجان و پرچم‌های تجزیه طلبانه در برخی از بازی‌های تیم تراکتور توسط عده‌ای معدود و انعکاس گسترده‌ی آن در العربیه، ایران اینترنت‌نشال و گون آذ تی وی

از سرمایه‌گذاری مشترک باکو و ریاض در این زمینه حکایت دارد. احمد علیرضاییگی، نماینده‌ی مردم تبریز در مجلس شورای اسلامی ایران، درباره‌ی سردادن شعارمجموع "خلیج عربی" در ورزشگاه آزادی می‌گوید: به عنوان نماینده‌ی مردم می‌گویم: تبریزی‌ها به جمهوری اسلامی وفادارند و اگر چنین شعاری هم در ورزشگاه سرداده شده است، حتماً کاری سازماندهی شده و نفوذ کرده در میان تماشاچیان بوده است. اکنون نقطه‌ی اصطکاک ما با عربستان سعودی پاره‌ای از مسائل است؛ این شعار انتخاب می‌شود تا این کشور خودنمایی کند (آناتولی، ۲۰۱۶/۱۲/۱۰). در سال ۱۳۹۲ش، پیش از برگزاری بازی تراکتورسازی-الشباب، شبکه‌ی العربیه، با انتشار تصویری که در آن از نام مجموع خلیج عربی استفاده شده بود، از آذری‌های ایران خواست تا با حضور در ورزشگاه، عبارت مجموع «خلیج عربی» را شعار دهند. در پاسخ به چنین فراخوان‌هایی، تماشاگران ایرانی شعار «خلیج فارس» را در بازی‌ها تیم ایرانی با تیم‌های عربی از جمله بازی صبا - الشباب سر دادند.

به موازات همکاری رسانه‌های سعودی و باکوئی در دامن زدن به مسایل قومی در ایران، مقامات جمهوری آذربایجان نیز بر خلاف رویه‌ی گذشته و با نقض دستورالعمل سازمان ملل متحد از کلمه‌ی مجموع خلیج یا خلیج عربی به جای «خلیج فارس» استفاده کردند. به عنوان نمونه، اواخر آبان ۱۳۹۵ش الهام علی‌اف، رئیس جمهوری آذربایجان، در دیدار با گروهی از خبرنگاران خارجی و در پاسخ به تشکر «مهندس سلیمان محسن النعامی»، مدیرکل خبرگزاری بحرین، به خاطر تسهیل در صدور روادید (جمهوری آذربایجان برای کشورهای عربی) از عبارت مجموع خلیج استفاده کرد و گفت: «همانطور که اشاره کردید پس از تسهیل روادید برای کشورهای خلیج (فارس)، گردشگرانی که از کشورهای خلیج (فارس) هستند، ده برابر شده‌اند» (azertag, 17.11.2016).

از میان انبوه رسانه‌های تبلیغ‌کننده‌ی پان آدریسم که ۷۵ مورد آن در سایت رسمی «کمپته‌ی دولتی امور دیاسپورا» جمهوری آذربایجان فهرست وار معرفی شده است، شبکه‌ی تلویزیونی ماهواره‌ای ضد ایرانی «گون آذ.تی.وی.» و سایت گروه «داک» فعال‌ترین و مجهزترین این رسانه‌ها هستند (حشمتی، مهر ۱۳۹۵). به موازات توسعه‌ی مناسبات باکو و ریاض، به ویژه

از سال ۲۰۱۵م، همسویی شبکه‌ی تکفیری العربیه و ایران اینترنشنال عربستان سعودی با گون آذ تی وی در قوم‌گرایی آشکار شده است. در حالی که سازمان استخبارات سعودی با تأسیس اداره‌ی ویژه‌ی روافض، به جنگ شیعیان آمده و مفتیان وهابی با لفظ رافضی‌های صفوی، ایرانیان از جمله آذری‌ها را تکفیر و ریختن خونشان را مباح و بلکه واجب اعلام می‌کنند، هم‌صدایی العربیه- گون آذ تی وی در هتاک‌های علیه ایران و مقدّسات تشیع قابل تأمل است. این هم‌صدایی در مصادیق مختلفی نظیر همکاری برای تشویق تماشاگرها در بازی‌های تراکتورسازی به سردادن شعار مجعول خلیج عربی، تلاش برای ایجاد درگیری قومی در ایران به بهانه‌ی جنجال برنامه‌ی «فتیله» در ۱۳۹۴ش، بازنمایی جنجال مربوط به کاریکاتور سوسک در سال ۲۰۰۶، انتشار اخبار ضدّ ایرانی العربیه توسط گون آذ تی وی، سوء استفاده از وضعیت دریاچه‌ی ارومیه، روز بابک و موارد مشابه خود را نشان داده است. روی دیگر همکاری باکو و رژیم سعودی در زمینه‌ی پیشبرد پان‌آدریسم، توسعه‌ی چشمگیر کانال‌های تلگرامی در این زمینه و همچنین راه‌اندازی صفحات اجتماعی است. از جمله‌ی آنها می‌توان به کانال به اصطلاح «چهل میلیون تورک» اشاره کرد. آی پی این کانال‌ها نه در ایران بلکه در عربستان سعودی یا برخی از کشورهای عربی قرار دارند.

در این روند، جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از هر موضوعی که رنگ و بوی قومی در ایران پیدا می‌کند، سوء استفاده می‌کنند. استقبال گسترده‌ی رسانه‌های جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از موضوع تشکیل فراکسیونی با نام «ترک» در مجلس شورای اسلامی ایران به خوبی این موضوع را نشان داد. روزنامه «ینی مساوات» جمهوری آذربایجان در تحلیلی با عنوان «علت گشایش ترکی ایران» با تأکید بر این که «تشکیل فراکسیون با نام «ترک» در مجلس ایران، واقعه‌ای مهم در تاریخ یکصد ساله‌ی اخیر این کشور است»، زوایای بهره‌برداری عربستان سعودی از مسأله‌ی قومیت‌ها در ایران را این‌گونه تبیین می‌کند: «عربستان سعودی، امکان تأثیرگذاری ایران بر ۲۰ درصد جمعیت شیعه‌ی عربستان و نیز به قدرت رسیدن جنبش حوثی مورد حمایت ایران در یمن را تهدیدی برای خود می‌داند. ریاض طیّ سال‌های اخیر برای ایجاد خرابکاری در داخل ایران تلاش می‌کند. قبلاً این خرابکاری‌ها

بیشتر در استان‌های جنوب شرق و اساساً در مناطق سنی نشین و به منظور ایجاد درگیری‌های مذهبی اجرا می‌شد. اما در عین حال سعودی‌ها برای ایجاد درگیری قومی در ایران از طریق آذری‌ها و به طور کلی گروه‌های قومی این کشور تلاش می‌کنند. در دوره‌ی ریاست جمهوری جرج بوش، حکومت آمریکا هر سال میلیون‌ها دلار برای گروه‌های قومی ایران پول اختصاص می‌داد. به نظر می‌رسد که اکنون این طرح را عربستان سعودی نیز دنبال می‌کند. در همین راستا در ماه سپتامبر ۲۰۱۶، یک گروه از نمایندگان حزب (به اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی از اروپا به عربستان سعودی سفر و با مقامات عالی رتبه از جمله ملک سلمان، پادشاه سعودی، دیدار کردند (Rövşənoğlu, 03.11.2016).

تحركات ریاض و باکو برای تقویت و تسلیح گروه‌های قوم‌گرا:

در جمهوری آذربایجان دهها گروه، حزب و تشکل قومیت‌گرای ضد ایرانی مانند داک، گاموح، گاماج، فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، جمعیت مهاجران سیاسی ایرانی، احزاب جبهه‌ی خلق (به اصطلاح) آذربایجان یکپارچه، (به اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی، حزب همبستگی شهروندی، آناوطن، جبهه‌ی خلق و مساوات، ساختار بزرگ، بزقورد، جبهه‌ی خلق، اتحادیه‌ی (به اصطلاح) آذربایجان واحد (باب)، گروهک ۲۱ آذر، جنبش دموکرات‌های ملی‌گرا، حرکت (به اصطلاح) بیداری ملی جنوب آذربایجان و ... فعالیت می‌کنند.

در واقع تحریک قوم‌گرایی در مناطق آذری نشین ایران، یکی از مهم‌ترین ابزارهای سیاسی رژیم کمونیستی برای فشار بر تهران بود. این میراث کمونیسم پس از فروپاشی شوروی به سردمداران جمهوری آذربایجان به ارث رسید و این بار، ائلچی بیگ، رییس جبهه‌ی خلق جمهوری آذربایجان که با حمایت غرب، ترکیه و جریان صهیونیسم و با شعارهای پان‌ترکیستی در باکو در سال ۱۹۹۲ به قدرت رسیده بود، پیشبرد این سیاست را به عهده گرفت. نتیجه‌ی آن، تشکیل گروه افراطی قوم‌گرای «داک» (کنگره‌ی آذربایجانی‌های دنیا) در لس‌آنجلس آمریکا بود که بعدها مرکزیت آن به باکو منتقل شد. همچنین در باکو نیز گروه دیگری

تحت نام «باب» (به اصطلاح؛ اتّحادیه‌ی آذربایجان واحد) با حمایت آشکار حکومت باکو ایجاد شد و این گروه‌ها فعالیت خود را بر روی برگزاری میزگردها و نشست‌های ضدّ ایرانی و به بهانه‌ی به اصطلاح حمایت از «حقوق مدنی» آذری‌های ایران متمرکز کردند. به موازات فعالیت این گروه‌ها در جمهوری آذربایجان، فضای سیاسی و رسانه‌ای باکو به عرصه‌ی فعالیت و تبلیغات گروه‌های دیگری نظیر «جاماح»، بقایای «فرقه‌ی دموکرات»، گامحمک^۱ (به اصطلاح کمیته‌ی دفاع از جنبش ملی آذربایجان جنوبی)، گاموح و شمار دیگری از این قبیل تشکّل‌ها علیه ایران تبدیل شد. حیدرعلی اف، رییس جمهوری وقت جمهوری آذربایجان برای متمرکز کردن این فعالیت‌ها، ۵ ژوئیه ۲۰۰۲ کمیته‌ی دولتی امور آذربایجانی‌های ساکن خارج از کشور را تأسیس کرد. به موازات آن نیز هر پنج سال یک بار، گردهمایی بزرگی تحت عنوان «گردهمایی سراسری آذربایجانی‌های دنیا» برگزار شد. الهام علی اف نیز با تأسیس «شورای هماهنگی آذربایجانی‌های دنیا» در ۱۹ دسامبر ۲۰۰۸، ریاست خود بر این شورا که شماری از عناصر تجزیه طلب ایرانی نیز در آن عضویت دارند، گام‌های بعدی را در این راستا برداشت. طیّ سال‌های بعد، ارتباطات تشکّل‌های تحت پوشش کمیته‌ی دولتی امور آذربایجانی‌های ساکن خارج که در ۹ نوامبر ۲۰۰۸ به دستور الهام علی اف به کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا تبدیل شد، با سازمان‌های صهیونیستی محکم‌تر و نظام‌مندتر شد و مأموریت‌های جدیدتری برای آن‌ها تعریف شده است (حشمتی، مهر ۱۳۹۵).

آن دسته از احزاب قوم‌گرایی آذری ضدّ ایرانی که در خارج از جمهوری آذربایجان فعالیت می‌کنند، با کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا ارتباط دارند و از حمایت‌های آن برخوردار هستند. از سال ۲۰۱۵ سازمان‌های سعودی نیز به واسطه‌ی باکو به ارتباط‌گیری با این گروهک‌های قوم‌گرا پرداختند تا مأموریت‌هایی را بر اساس منافع سعودی برای آن‌ها تعریف کنند. پس از سفر فروردین ۱۳۹۴ش الهام علی اف به عربستان سعودی، تحرکات این گروه‌ها و پیوند ریاض با آن‌ها تقویت یافته است؛ به طوری که برای اولین بار به طور علنی، ریاض در سپتامبر سال ۲۰۱۶ میزبان تجزیه طلبان آذری شد و صالح ایلدیریم، رییس «حزب (به

^۱. GAMHMK

اصطلاح) استقلال آذربایجان جنوبی» با پادشاه عربستان سعودی دیدار کرد. وی در این خصوص می‌گوید: «من به عنوان رییس جبهه‌ی (ائتلاف) ملت‌ها برای تعیین مقدرات خود» در دیدارهای برنامه‌ریزی شده در عربستان حضور یافتم، در این دیدارها نمایندگان ملت‌های ترک، عرب، کرد، بلوچ و ترکمن حضور داشتند. در سطوح بالا و در سطوح وزرا دیدارهای مهمی داشتیم و نهایتاً میهمان شخص شاه شدیم. ملک سلمان ما را در کاخ خود در مکه میهمان کرد. در این دیدارها، موضوع (به اصطلاح) آذربایجان جنوبی را طرح کردیم. به آن‌ها گفتیم که ما را در ترکیب ایران نبینید. ایران دشمن ما نیز است و اراضی ما را نیز اشغال کرده است و ما به عنوان ملل غیرفارس در جنگ با ایران هستیم, (amerikaninsesi, Sentyabr 24, 2016). ایلدیریم پس از این دیدار، در مصاحبه با بخش آذری صدای آمریکا به تمایل عربستان سعودی برای ایجاد مسایل قومی در ایران اذعان کرده و گفته است: «دعوت نمایندگان گروه‌های ترک، عرب، کرد، بلوچ و ترکمن به عربستان سعودی، نشان دهنده‌ی تغییر نگاه این کشور نفت خیز به ایران و تمایل به حمایت از «ملت‌های غیرفارس» است. چنانچه انور عشقی، ژنرال امنیتی پیشین عربستان سعودی و رییس مؤسسه‌ی تحقیقات استراتژیک، به راه انداختن جنبش‌های استقلال خواهی (جدایی طلبی) آذربایجان، کردستان، خوزستان، بلوچستان و ترکمنستان در ایران را راهکار حفظ اعراب از خطر ایران خوانده است» (Rövşənoğlu, 03.11.2016).

گروه «گائیب» یا به اصطلاح؛ حزب استقلال آذربایجان جنوبی که رئیس آن با مقامات عربستان سعودی دیدار کرده است، یکی از گروه‌های تجزیه طلب ضد ایرانی مورد حمایت جمهوری آذربایجان است. این گروه در دوره‌ی ریاست جمهوری الهام علی اف بر جمهوری آذربایجان، در سال ۲۰۰۴م اعلام موجودیت کرد (davam, 2016). این گروه در مرام نامه‌ای که در سایت خود منتشر کرده، بر به اصطلاح «استقلال آذربایجان جنوبی» و تشکیل کشوری مجزاً از جمهوری آذربایجان تأکید کرده است (gaip, 26 May 2013). شواهد آشکاری از وابستگی این گروه به باکو وجود دارد که سفرها و حضور پی در پی صالح ایلدیریم، سخنگو یا رییس این گروه در باکو و برگزاری آزادانه‌ی کنفرانس‌های خبری و مصاحبه با رسانه

های آذری از جمله نشانه‌های حمایت جمهوری آذربایجان از این گروه است. «گائپ» از طرف کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری آذربایجان به نشست‌ها و همایش‌های رسمی و دولتی باکو در زمینه‌ی «اصطلاح «آذربایجان‌گرایی» دعوت شده است. به عنوان نمونه به دنبال دعوت رسمی کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورای جمهوری آذربایجان، گروه «گائپ» در سومین «گردهمایی سراسری آذربایجانی‌های دنیا» در باکو در ژوئیه ۲۰۱۱ شرکت کرد (qafqazinfo, 13 İyul 2011). از دید حقوق بین‌الملل، دعوت یک گروه تجزیه طلب برای نشست رسمی و دولتی و تکرار این رویه، به معنای شناسایی و مشروعیت بخشیدن به آن گروه می‌باشد. تحت تأثیر حمایت‌های دولت باکو، «گائپ» در حرکتی نمایشی اعتراضی که به همراه اعضای «مرکز همکاری خلق‌های ترک» در ۱۷ مه ۲۰۱۲ در مقابل سفارت ایران در باکو انجام دادند، شعارهای مداخله جویانه‌ای همچون «آذربایجان یکی شود، مرکزش تبریز بشود»، سر دادند (Mig, 17 May 2011). با توجه به سوابق مذکور، به نظر می‌رسد که ارتباطات عربستان سعودی با گروه گائپ با حمایت جمهوری آذربایجان صورت گرفته است. نکته‌ی مهمی که در این زمینه وجود دارد این است که در میان گروه‌های قوم‌گرای مورد حمایت جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی با آن دسته از گروه‌هایی ارتباط‌گیری کرده است که تندترین مواضع تجزیه طلبانه را علیه ایران دارند، این موضوع این نظر را تقویت می‌کند که عربستان سعودی با وارد کردن باکو در بازی خطرناک خود، هدف تسلیح گروه‌های مذکور را دارد، چرا که ریاض تجربه‌ی طولانی در تسلیح گروه‌های تجزیه طلب و تروریستی ضد ایرانی دارد. انتشار برخی از اخبار درباره‌ی همکاری باکو با ریاض در انتقال تسلیحات بر این دیدگاه دامن می‌زند.

در این راستا «دیلیانا قایتاندژیوا»^۱، پژوهشگر بلغاری، در مقاله‌ای در روزنامه‌ی ترود دیلی^۲ بلغارستان می‌نویسد: شرکت هواپیمایی سیلک وی^۳ جمهوری آذربایجان، با پوشش اسناد دیپلماتیک، علاوه بر باکو به سوریه، عراق، افغانستان، پاکستان، ترکیه و کنگو سلاح حمل می‌

^۱ . Dilyana Gaytandzhieva

^۲ . Trud Daily

^۳ . SilkWay

کند. تفاهم نامه های مکتوبی میان وزارت خارجه جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی، امارات، ترکیه، بلغارستان و برخی کشورهای اروپایی مبنی بر استفاده از مصونیت دیپلماتیک و پرواز فوق العاده از فراز بلغارستان یا استفاده از راه های هوایی این کشور وجود دارد. این هواپیماها تحت پوشش سوخت گیری، توقف های چند ساعته تا یک روزه در مناطق مختلف دنیا داشته اند. در پی انتشار این مطلب، سفیر آمریکا در صوفیه به سرعت از مقامش برکنار شد. عربستان سعودی نیز از جمله کشورهایی است که مقادیر زیادی سلاح از اروپای شرقی خریداری و با پرواز های دیپلماتیک شرکت هواپیمایی «سیلک وی» جمهوری آذربایجان حمل می کند. طی سال های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷م، از بلغارستان، صربستان و جمهوری آذربایجان ۲۳ پرواز دیپلماتیک، به جدّه و ریاض سلاح حمل کرده اند. عربستان سعودی این سلاح ها را برای خود تهیه نمی کند؛ زیرا در ارتش عربستان سعودی فقط از سلاح های تولید کشورهای غربی استفاده می شود و سلاح های خریداری شده از شرکت های مذکور، منطبق با استانداردهای نظامی ارتش عربستان سعودی نیست. به این ترتیب، سلاح هایی که از طریق پرواز های دیپلماتیک خریداری می شود، به دست تروریست های مورد حمایت عربستان سعودی رسانده می شوند. در فوریه و مارس ۲۰۱۷م، عربستان سعودی از پروازهای دیپلماتیک شرکت هواپیمایی «سیلک وی» در مسیر فرودگاه های باکو - بلگراد - شاهزاده سلطان - باکو، ۳۵۰ تن سلاح تحویل گرفته است. در دسامبر ۲۰۱۵ م، شرکت «سیلک وی» ۱۴ پرواز میان اوستراوا (چک) - اودا (اسرائیل) - ناسوسنی (جمهوری آذربایجان) انجام داده است که در هر یک از آنها ۴۰ تن سلاح حمل شده است. در اسناد مربوط، نام صادر کننده ذکر نشده است و معلوم نیست که خریدار آن نیز، وزارت دفاع جمهوری آذربایجان است یا نه؟ جالب است که این هواپیما در فرودگاه نظامی «اودا» در جنوب اسرائیل، دو ساعت توقف فنی داشته است. در ۲۰۱۷م، پنج پرواز میان نیچ (صربستان) - اودا (اسرائیل) - ناسوسنی (جمهوری آذربایجان) انجام شده است که در هر پرواز ۴۴ تن بار نظامی بوده است. ارسال کننده ی این محموله، شرکت «ام.اس.ام. مارتین» صربستان و خریدار آن نیز شرکت اسرائیلی «البت سیستمز» و وزارت دفاع جمهوری آذربایجان بوده است. شرکت هواپیمایی

«سیلک وی» به خانواده‌ی حاکم جمهوری آذربایجان تعلق دارد. این شرکت از جمله زیرمجموعه‌های «سیلک وی هولدینگ» است. شرکت هواپیمایی «سیلک وی» از مؤسسان «سیلک وی بانک» است که آرزو علی‌اوا، دختر الهام علی‌اف، ظریفه حمزه‌اوا، همسر جهانگیر عسگروف رییس شرکت هواپیمایی دولتی آذال جمهوری آذربایجان، دیگر مؤسسان آن هستند. (meydan.tv, 6 iyul 2017) «دیلیانا قایتاندریوا» مدتی بعد با تأکید بر این که به دلیل فشار جمهوری آذربایجان بر بلغارستان از روزنامه‌ی «ترود دیلی» اخراج شده است، از سازمان ملل خواست تا تحقیقات را علیه آذربایجان، بلغارستان، آمریکا، عربستان سعودی و سایر کشورهای ذیربط در این موضوع آغاز کند (Sassounian, 2017).

افشاگری «دیلیانا قایتاندریوا» درباره‌ی نقش شرکت سیلک وی جمهوری آذربایجان در انتقال سلاح به تروریست‌ها در شرایطی است که به دنبال دیدارهای وزیران دفاع آذربایجان و عربستان سعودی و همچنین انعقاد قرارداد خرید تسلیحاتی چند صد میلیارددلاری میان واشنگتن و ریاض در سفر دونالد ترامپ به عربستان سعودی، برخی از منابع خبری از توافق باکو و ریاض برای فروش سلاحهای آمریکایی به جمهوری آذربایجان توسط عربستان سعودی خبر دادند و پیش شرط آن را همراهی باکو با ریاض در تسلیح گروههای قومی تجزیه طلب و تروریستی ضد ایرانی عنوان کردند. کما اینکه روزنامه‌ی ینی مساوات نیز با تأیید توافقات تسلیحاتی باکو و ریاض نوشته است: همکاری نظامی عربستان سعودی و جمهوری آذربایجان و نیز تجارت تسلیحات مورد توجه است (musavat, 30.05.2017). به دنبال رسانه‌ای شدن این موضوع، زاهد عروج، نماینده‌ی مجلس جمهوری آذربایجان گفت: مناسبات میان باکو و ریاض، هم در زمینه‌ی سیاسی و هم نظامی و اقتصادی در سطحی عالی است. ایران نیز به این مناسبات حساس است. آنها نیز به فروش تسلیحات خود علاقه دارند. ما نیز به برقراری مناسبات چندجانبه علاقه مندیم (modern.az, 30.05.2017). این در شرایطی است که اساساً با رویکرد خصمانه‌ی عربستان سعودی علیه ایران، به نظر می‌رسد یکی از اهداف ریاض در همکاری با باکو، تسلیح گروه‌های قوم‌گرا می‌باشد، کما اینکه محمد بن سلمان ولیعهد سعودی، تز کشاندن درگیری و مناقشه به داخل ایران را صریحاً اعلام کرده و دنبال می‌کند.

نتیجه

مناسبات جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی از سال ۲۰۰۳ وارد مرحله‌ی جدیدی شده است. در این دوره، روابط باکو و ریاض علاوه بر زمینه‌های اقتصادی، انرژی و سیاسی؛ طیف وسیعی از همکاری‌ها برای ترویج وهابیت تا قوم‌گرایی را شامل می‌شود. قراین متعددی از همکاری‌های جمهوری آذربایجان با عربستان سعودی برای پیشبرد توطئه‌ی «پان آدریسم تهاجمی» علیه ایران وجود دارد. اساساً جمهوری آذربایجان با تمرکز بر ایجاد هویت تصنعی و تبدیل کردن پان آدریسم و قوم‌گرایی آذری به یکی از راهبردهای اعمالی خود اقدام به مجموعه اقداماتی نظیر تبلیغات قوم‌گرایانه در مراکز آموزشی، مدارس و دانشگاه‌ها، تحریف تاریخ با نگاه قوم‌گرایانه در کتب درسی، تولید محتوای مجعول چند رسانه‌ای، ایجاد نهادهای رسمی حمایت از قوم‌گرایی با محوریت کمیته‌ی دولتی امور دیاسپورا، ایجاد یا تسهیل فعالیت شبکه‌های رسانه‌ای و گروه‌های قوم‌گرا در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان کرده است. می‌توان گفت پس از فروپاشی شوروی، باکو همسو با رویکرد هویت‌سازی جدید، ساختار سازی و شبکه‌سازی پان آدریسم را به طور جدی در دستور کار قرار داده است و این رویکرد ریشه‌ی اصلی اقدامات ضد ایرانی جمهوری آذربایجان را تشکیل می‌دهد.

اصرار بر ایجاد هویت ساختگی و مغایر با واقعیات تاریخی و تعریف منافع و رویکردها بر اساس این هویت تصنعی، وجه مشترک میان جمهوری آذربایجان و عربستان سعودی در قبال ایران محسوب می‌شود. رویکرد عربستان سعودی هویت خود را بر مبنای وهابیت تکفیری تعریف کرده است، و از منظر نظریه‌ی سازه‌انگاری، رویکردهای سیاست خارجی خود را بر این اساس ترسیم کرده و در نتیجه، منافع‌اش را در مقابله با اسلام شیعی، ایران هراسی، تضعیف محور مقاومت و همسویی با قدرتهای غربی می‌بیند. رویکرد تحمیل هویت وهابی سعودی به جهان اسلام و معرفی ریاض به عنوان نماینده‌ی اهل تسنن به ویژه پس از روی کار آمدن ملک سلمان بن عبدالعزیز و انتصاب محمد بن سلمان به وزارت دفاع و ولیعهدی، دچار شکست‌های پی‌در پی شده است. ریاض به دلیل سرخوردگی از شکست سیاست‌های

منطقه‌ی ای خود، رویکرد تخاصم‌آمیز علیه ایران اسلامی اتخاذ کرده است و در این روند ایجاد بحران و تنش در مناسبات ایران با همسایگان خود، علنی کردن حمایت از منافقین، ایجاد ائتلاف ضد ایرانی، ناتوی عربی، حمایت از ایجاد ائتلاف دریایی علیه ایران در خلیج فارس و همچنین استفاده از ابزارهای قومی را در دستور کار خود قرار داده است.

عربستان سعودی که سابقه‌ی بیش از دو دهه همکاری امنیتی با جمهوری آذربایجان برای توسعه‌ی وهابیت در این کشور را دارد، به دلایل مختلفی به توسعه‌ی توطئه‌ی پان‌آدریسم گرایش پیدا کرده است. ریاض با آگاهی از عقبه‌ی همکاری‌های امنیتی جمهوری آذربایجان با آمریکا و رژیم صهیونیستی در زمینه‌ی پیشبرد پان‌آدریسم، پس از روی کارآمدن ملک سلمان تلاش دارد با ورود به این موضوع، تحرک جدیدی به فعالیت‌های تجزیه‌طلبانه علیه ایران بدهد. قراین متعددی نشان می‌دهد که در دو سفر الهام علی‌اف به عربستان سعودی در سال‌های ۱۳۹۴ و ۱۳۹۶، ریاض بر سرمایه‌گذاری و تزریق پول به اقتصاد جمهوری آذربایجان در قبال همکاری باکو در مسأله‌ی قومیت‌گرایی با محوریت تسلیح برخی از گروه‌های قوم‌گرا تأکید کرده است. ابعاد همکاری‌های باکو و ریاض در این خصوص محورهای گسترده‌ای نظیر تبادل اطلاعات، تأمین مالی گروه‌ها و رسانه‌های قوم‌گرا، ایجاد کانال‌های قوم‌گرا در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی پیام‌رسان به ویژه تلگرام، جذب فعالان دارای گرایش‌های تجزیه‌طلبانه، القای وجود مسأله‌ی قومی در ایران از طریق عملیات روانی، به ویژه در مقاطع انتخابات، تبدیل کردن نمادهای ورزشی به سمبول‌های قوم‌گرایی، تجمع گروه‌های قوم‌گرای همسو در داخل و خارج از جمهوری آذربایجان و نهایتاً سوق دادن آن‌ها به فعالیت‌های نظامی را شامل می‌شود. در این موارد، عربستان سعودی روی پتانسیل‌های جمهوری آذربایجان حساب باز کرده است.

در میان گروه‌های قوم‌گرای ضد ایرانی مورد حمایت جمهوری آذربایجان، عربستان سعودی با آن دسته از گروه‌هایی ارتباط‌گیری کرده است که افراطی‌ترین مواضع تجزیه‌طلبانه را علیه ایران دارند. این موضوع این نظر را تقویت می‌کند که ریاض، هدف تسلیح گروه‌های مذکور را دارد. این کشور تجربه‌ی طولانی در تسلیح گروه‌های تجزیه‌طلب و

تروریستی ضد ایرانی دارد. انتشار برخی از اخبار درباره ی همکاری باکو با ریاض در انتقال تسلیحات از طریق شرکت هواپیمایی «سیلک وی» جمهوری آذربایجان و با پوشش پروازهای دیپلماتیک، بر این دیدگاه دامن می زند.

دیدار صالح ایلدیریم، رئیس «حزب استقلال (به اصطلاح) آذربایجان جنوبی» موسوم به «گائپ» با ملک سلمان، پادشاه عربستان سعودی در سال ۱۳۹۵ مؤید ارتباط گیری عربستان سعودی با گروه های شورونستی با اهداف خاص با استفاده از پتانسیل های باکو است؛ چرا که «گائپ» مورد حمایت جمهوری آذربایجان می باشد و علیرغم داشتن مواضع آشکار تجزیه طلبانه علیه ایران، از طرف کمیته دولتی امور دیاسپورا جمهوری آذربایجان به نشست ها و همایش های رسمی و دولتی باکو در زمینه ی به اصطلاح «آذربایجان گرایی» دعوت شده است. از منظر حقوق بین الملل، حتی نام این گونه احزاب و تشکل هایی که در جمهوری آذربایجان فعالیت می کنند یا مورد حمایت آن قرار می گیرند، بی احترامی به تمامیت ارضی یک کشور عضو سازمان ملل بوده و مغایر با منشور و قواعد بنیادین حقوق بین الملل می باشد که طبیعتاً مسئولیت بین المللی دولت باکو را ایجاد می کند.

مقام معظّم رهبری (مدّ ظلّه العالی) در سال ۱۳۸۵ش، تلاش دشمنان برای تحریکات قومی و مذهبی را آخرین تیر ترکش آنان بر ضدّ نظام و مردم و تفرقه افکنی را جزء سیاست های قطعی دشمن خواندند و تأکید فرمودند: سابقه ی درخشان و غرور آفرین ملت ایران در حمایت از تشیع و تمامیت ارضی ایران، کینه ی عجیبی در دل دشمنان ایران اسلامی ایجاد کرده است. نگاهی به اقدامات حماسه آفرین آذربایها در بستر تاریخ ایران نظیر نبرد چالداران در مقابل تجاوز ترک های عثمانی، مبارزه ی آنها در برابر تجاوز نظامی قشون روس، نقش برجسته شان در انقلاب مشروطیت، ایجاد جنبش مردمی آزادیستان به رهبری شیخ محمد خیابانی در اعتراض به سرقت نام آذربایجان ایران توسط مساواتیان باکو، حضور مؤثرشان در انقلاب اسلامی و خلق حماسه ی ۲۹ بهمن و رشادت های مثال زدنی در جریان هشت سال جنگ تحمیلی نشان داده است که آذربایجان همان طوری که مقام معظّم رهبری فرمودند سرّ ایران

است. در واقع به تعبیر معظم له دشمنان این ملت مانند همیشه با تحلیل غلط در منطقه‌ای گام گذاشتند که محور و صاحب انقلاب است.

عربستان سعودی طی سال‌های اخیر پی در پی هزینه‌های سیاست‌های غلط خود را با شکست‌های جدید داده است و این تقریباً به رویه تبدیل شده است اما ورود باکو به این روند می‌تواند تبعات خطرناکی برای تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان داشته باشد. جمهوری آذربایجان یک بار در سال ۱۹۹۳ به دلیل پیگیری ایده‌ی پان آدریسم و شوونیسم شاهد تشکیل دو منطقه‌ی جدایی طلب در جنوب و شمال خود با محوریت جمهوریهای خودخوانده‌ی لژگستان و تالش - لنکران شد. تکرار این سیاست توسط جمهوری آذربایجان کثیرالمثله که نارضایتی‌های زیادی در میان اقوام مختلف آن نظیر تالش‌های با بیش از یک میلیون جمعیت، لژگی‌ها، آوارها، اودین‌ها، کردها و غیره وجود دارد، می‌تواند در ابعادی حتی بیشتر از مناقشه‌ی قرا باغ، تمامیت ارضی این کشور را به مخاطره بیندازد. امپراتوری عثمانی با آن همه قدرت خود به واسطه‌ی اعتماد به اعراب سعودی و تحت تأثیر اقدامات مناطق عرب نشین، امپراتوری‌ای که با هدایت انگلیس صورت می‌گرفت، تجزیه شد و دور از ذهن نیست که تداوم پان آدریسم مورد حمایت ریاض، منجر به چندپارگی جمهوری آذربایجان شود. پایه‌گذاری رویکرد جمهوری آذربایجان بر اساس قوم‌گرایی ضد ایرانی و نهاد سازی گسترده برای این راهبرد، باعث تمایل بازیگران متخاصم یا رقیب با ایران نظیر عربستان سعودی برای استفاده از پتانسیل‌ها شده است که تداوم آن با توجه به کثیرالمثله بودن جمهوری آذربایجان بر وحدت ملی در این کشور آسیب خواهد زد.

منابع

- احمدی، حسینی؛ دادگر، سیاوش (۱۳۹۵)، **جمهوری آذربایجان: ۲۳ سال تکاپو برای دولت و ملت‌سازی**، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- آناتولی** (۲۰۱۶/۱۲/۱۰)، سردادن شعار عجیب خلیج عربی در بازی فوتبال دو تیم در ایران، قابل دسترسی در: <http://aa.com.tr/fa/703359>
- حاجی یوسفی، امیر محمد (۱۳۸۳)، «آمریکا و عربستان سعودی پس از اشغال عراق: سیاست پیشگیری دموکراتیک»، **فصلنامه مطالعات خاورمیانه**، سال یازدهم، شماره ۱.
- حشمتی، برهان (۱۳۹۵)، **بررسی گروه‌ها و تشکل‌های پان آدریستی ضد ایرانی در جمهوری آذربایجان**، پژوهش‌های کاربردی برون مرزی صداوسیما
- حشمتی، برهان (۲۳ فروردین ۱۳۹۴)، «همکاری‌های تبلیغاتی و دینی باکو و ریاض»، **پژوهش‌های کاربردی**، قابل دسترسی در: <http://arc.irib.ir/i327>
- خاورمیانه (۱۳۹۵)، **نقش وزارت امنیت ملی آذربایجان در تامین نیرو برای داعش**، کد ۱۲۴۴۳۱۴۸
- سرحدچی، محمد (۱۳۹۴)، **آزادی وجدان در جمهوری آذربایجان**، تهران، نشر موسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران
- فولر، گراهام (۱۳۹۴)، **قبله عالم؛ ژئوپلیتیک ایران**، ترجمه عباس مخبر، چاپ هفتم، تهران، نشر مرکز
- کاظمی، احمد (۱۳۸۵)، **پان ترکیسم و پان آدریسم**، تهران، انتشارات موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر
- کاظمی، احمد (۳۰ آبان ۱۳۹۴)، **تفرقه قومی؛ آخرین تیر ترکش دشمن**، روزنامه جام جم، شماره ۴۴۱۲
- کاظمی، احمد (بهار ۹۶)، «باکو، تل آویو: هدف گذاری ایجاد پایگاه منطقه ای صهیونیسم»، **هفته نامه همدلی اردبیل**، شماره چهاردهم
- کریمی، کامران (۹۵/۰۵/۰۷)، **کالبد شکافی راهبرد ضد ایرانی عربستان سعودی**، روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۳۸۲۴

مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۴) تحول در نظریه های روابط بین الملل، تهران، انتشارات سمت
 واحدی، الیاس (۵ دی ۱۳۹۴)، اقوام ایرانی و سیاست خارجی؛ تهدید یا فرصت؟ موسسه
 فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار معاصر تهران
 ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده،
 تهران، انتشارات وزارت امور خارجه

هانتر، شیرین (۱۳۸۰)، آینده اسلام و غرب برخورد تمدن: ها یا همزیستی مسالمت آمیز،
 ترجمه همایون مجد، تهران: نشر و پژوهش فرزانه روز

amerikaninsesi, (Sentyabr 24, 2016), **Saleh İldırım: Səudiyyə liderlərinə dedik, bizi İran çərçivəsində görməyin**, Ətraflı: <http://www.amerikaninsesi.org/a/saleh-ildirim/3521972.html>

azertag,(2017), Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Seudiyye_Arebistani_Kralliginin_Veliehd_Bas_nazirin_muavini_mudafie_naziri_Alahezret_Mehemmed_bin_davam,(2016), **Güney Azərbaycan təşkilatları**. Ətraflı: <http://davam.az/print:page,1,2494-gney-azrbaycan-tilatlar.html>

mct.gov,(2017), Ətraflı: <http://mct.gov.az/news-details?id=2343>
 meydan.tv, (06 iyul 2017), **Azərbaycan hakimiyyəti terroristlərə silah daşıyır?**,
 Ətraflı: <https://www.meydan.tv/az/site/politics/24015>

president.az, (18 yanvar 2017), **İlham Əliyev Səudiyyə Ərəbistanının energetika, sənaye və təbii sərvətlər naziri ilə görüşüb**, Ətraflı: <http://www.president.az/articles/22504>

qafqazinfo,(13İyul2011), **Güneyli partiya sədri YAP-dan inciyib**. Ətraflı: <http://www.qafqazinfo.az/siyaset-2/guneyli-partiya-sedri-yap-dan-inciyib-1670>

Price, Richard and Christian Reus-Smith. 1998. "Dangerous Liaisons? Critical International Theory and Constructivist". **European Journal of International Relation**. Vol. 4. No.3.

Rothman ,Suzanne Sulika (2014),**Why Azerbaijani-Saudi relations are improving**, Available from: <https://en.trend.az/azerbaijan/2275611.html>

PanARMENIAN.Net,(2019), **Saudi Arabia will financially sponsor Armenian Genocide resolution in U.S**, Available from: <http://www.panarmenian.net/arm/news/268205/>

Sassounian, Harut (2017), **Azerbaijan Forces Bulgaria to Fire Reporter Who Exposed Arms Shipments to Terrorists**, Available from: <https://armenianweekly.com/2017/08/29/dilyana-gaytandzhieva-fired/>

mod.gov.az,(2019),**Azərbaycan və Səudiyyə Ərəbistanı orduları arasında əlaqələrin inkişaf perspekti**, Ətraflı: <https://mod.gov.az/az/news/azerbaycan-ve->

seudiyye-erebistani-ordulari-arasinda-elaqelerin-inkisaf-perspektivleri-muzakire-edilib-26378.html

AZƏRTAC,(15 mart 2019), **Prezident İlham Əliyev Kral Faysal Araşdırma və İslami Tədqiqatlar Mərkəzinin İdarə Şurasının sədrini qəbul edib** , Ətraflı: <https://azertag.az/1258874>

modern.az, (14 Aprel 2019),**Azərbaycançılıq ideyalarına xidmət edən istənilən layihə maliyyələşdiriləcək**, Ətraflı: <https://modern.az/az/news/197795>

Mig,(17May2012), **GAİP İrən səfirliyinə etiraz etdi**. Ətraflı:<http://miq.az/az/gaip-ve-atxem-iran-sefirliyi-nunde-aksiya-keciridi/>

gaip, (26 May 2013), **GÜNEY AZƏRBAYCAN İSTİQLAL PARTİYASININ ƏSASNAMƏSİ**, Ətraflı: <http://www.gaip.biz/index.php/esasname/81-x-b-r1-r/84-guenev-az-rbaycan-istiqlal-partiyas-n-n-sasnam-si>

Rövşənoğlu, Kənan(03.11.2016), **İrənın “Türk açılımı”nın səbəbi**, Ətraflı: http://musavat.com/news/siyaset/iranin-turk-achiliminin-sebebi_389821.html

azertag.az, (27.04.2016), **Azərbaycan Prezidenti İlham Əliyev Səudiyyə Ərəbistanı Krallığının mədəniyyət və informasiya nazirini qəbul edib**, Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Azerbaycan_Prezidenti_Ilham_Aliyev_Seudiyye_Arebistani_Kralliginin_medeniyyet_ve_informasiya_nazirini_qebul_edib-946464

azertag, (17.11.2016), **Azərbaycan Prezidenti İlham Əliyev Dünya Xəbər Agentliklərinin V Konqresinin iştirakçılarının bir qrupunu qəbul edib**, Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Azerbaycan_Prezidenti_Ilham_Aliyev_Dunya_Xeber_Agentliklerinin_V_Konqresinin_istirakchilarinin_bir_qrupunu_qebul_edib_YENILANIB_5_VIDEO-1011176

Koerner, Claudia(Mar. 21, 2017), **Hundreds Of 9/11 Victims And Their Family Members Are Suing Saudi Arabia**, Available from : https://www.buzzfeed.com/claudiakoerner/911-victims-sue-saudi-arabia?utm_term=.cuj0D5Pyp#.qiMEO6me1

azertag.az, (27.04.2017), **Xalid Əbdüləziz Əl Fəlih: “SAAB”, “Maaden” kimi nəhəng şirkətləri Azərbaycana investisiya qoymağa həvəsləndirəcəyik**, Ətraflı: http://azertag.az/xeber/Xalid_Abduleziz_Al_Falih_SAAB_Maaden_kimi_neheng_sirketleri_Azerbaycana_investisiya_qoymaga_heveslendiriceyik-1054905

azertag.az, (05.04.2017), **Azərbaycanla Səudiyyə Ərəbistanı arasında hərbi-texniki əməkdaşlıq məsələləri müzakirə olunub**, Ətraflı:<http://azertag.az/xeber/1048250>

TURAN, Cavid (20.05.2017), **“Azərbaycanın “İslam NATO”suna qoşulmasını bizə heç kim qadağa edə bilməz”**, Ətraflı: http://musavat.com/news/azerbaycanin-islam-nato-suna-qosulmasini-bize-hec-kim-qadaga-ede-bilmez_439754.html

modern.az, (30.05.2017), **Səudiyyə Ərəbistanı Amerika silahlarını Azərbaycana satacaq?** , Ətraflı: <http://modern.az/az/news/134182#gsc.tab=0>

musavat, (30.05.2017), **Azərbaycanı “İslam NATO-su”na çağırən ölkənin hər b naziri Bakıya gəlir**, Ətraflı: http://musavat.com/news/azerbaycani-islam-nato-su-na-cagiran-olkenin-herb-naziri-bakiya-gelir-muhum-gelisme_442280.html

musavat, (14.06.2017), **Bakı seçimlə üz-üzə - cəbhə xətti sərhədimizə yaxınlaşır**, Ətraflı: http://musavat.com/news/baki-secimle-uz-uzce-cebhe-xetti-serhedimize-yaxinlasir_446367.html

azertag.az, (07.02.2017), **Əli Həsənov: Azərbaycan 2017-ci ildə İslam dünyasının diqqət mərkəzində olacaq**, Ətraflı: <http://azertag.az/xeber/1033206>

axar.az,(2019.05.01), **Təbriz silkələnir: hamı piyada gəlir**, Available from: <https://axar.az/news/idman/370454.html>

Hersh, Seymour,(2006), Last Stand, The New Yorker, July 10 & 17, 2006 Issue

